



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



پیشانی

وہابیت و تقریب مذاہب

مؤلف: علی اسفندیاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وهابیت و تقریب مذاهب

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	وهابیت و تقریب مذاهب
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۵	دبیاجه
۱۷	پیشگفتار
۲۰	مفهوم تقریب اسلامی
۲۰	اشاره
۲۱	اقسام تقریب اسلامی
۲۱	اشاره
۲۱	۱. تقریب سیاسی
۲۱	۲. تقریب حقیقی
۲۱	دعوت قرآن به تقریب سیاسی
۲۲	دعوت روایات به تقریب سیاسی
۲۴	برخی از مشترکات امت اسلامی
۲۷	راهکارهای تقریب سیاسی
۲۷	اشاره
۲۷	۱. شناخت هر مذهب از منابع آن
۲۸	۲. حسن ظن به دیگری
۳۰	۳. عدم حکم به لوازم اعتقادات
۳۲	۴. حکم به ظاهر افراد
۳۲	اشاره
۳۲	قرآن و حکم به ظاهر افراد

- روایات اهل بیت: وحکم به ظاهر افراد ۳۳
- روایات اهل سنت وحکم به ظاهر افراد ۳۵
- علمای اهل سنت وحکم به ظاهر ۴۲
۵. گفت‌وگو در مسائل اختلافی ۴۷
۶. دوری از خطّ غلو ۴۷
۷. پرهیز از کید دشمنان اسلامی ۵۳
۸. ضرورت یک صدایی به هنگام شهادت ۵۴
۹. پرهیز از کلمات حساسیت‌زا ونفرت‌انگیز به یکدیگر ۵۵
۱۰. پرهیز از ناسزا گفتن به مقدسات طرف مقابل ۵۷
۱۱. رعایت اخلاق اسلامی نسبت به یکدیگر ۵۷
۱۲. ملاقات وگفت‌وگو ۵۸
۱۳. علم نسبت به اصطلاحات یکدیگر ۵۹
۱۴. یکی شدن اصطلاحات ۶۰
۱۵. پرداختن به مسائل مهم ۶۱
۱۶. همکاری در مسائل اتفافی ۶۵
- اصول مشترک تقریب اسلامی ۸۲
- اشاره ۸۲
۱. توحید ۸۲
۲. ابعاد جهانی اسلام ۸۲
۳. گسترش روحیه برادری ۸۳
۴. همکاری اجتماعی ۸۳
۵. مسجد واقامه جمعه وجماعت ۸۵
۶. حج، کنگره عظیم جهان اسلام ۸۵
۷. به کار گرفتن زبان عربی در عبادات ۸۶

۸۷	عواقب عدم تقریب سیاسی
۸۷	اشاره
۸۷	۱. از بین رفتن شوکت مسلمانان
۸۷	۲. تضعیف مسلمانان و حاکمیت کفار
۸۸	۳. کشتار و اسارت
۸۹	موانع تقریب اسلامی
۸۹	اشاره
۸۹	۱. اتهام به یکدیگر
۹۵	۲. جمود بر ظواهر
۹۵	۳. نداشتن بینش سیاسی واقع‌بینانه
۹۶	۴. شناخت هر مذهب از زبان مخالفان آن
۹۶	۵. عدم توجه به دشمن مشترک
۹۶	۶. حکم به لوازم اعتقاد
۹۷	۷. سوء ظنّ به دیگری
۱۰۰	درباره مرکز

وهابیت و تقریب مذاهب

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضوانی، علی اصغر، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور: وهابیت و تقریب مذاهب / علی اصغر رضوانی؛ تدوین مرکز تحقیقات حج.

مشخصات نشر: تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۸۴ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

فروست: سلسله مباحث وهابیت شناسی.

شابک: ۱۰۰۰۰ ریال (چاپ دوم): ۴-۳۲۵-۵۴۰-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فاپا (چاپ دوم)

یادداشت: کتابنامه: ص. [۸۳]-۸۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: وهابیه -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها

موضوع: تقریب مذاهب

موضوع: وهابیه -- عقاید

شناسه افزوده: حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. مرکز تحقیقات حج

رده بندی کنگره: ۲۰۷/۶/BP۲۰۷/۶ و ۹۳ و ۱۳۹۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۱۶

شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۲۱۹۹۳

ص ۱

اشاره

ص: ۸

دبیاچه

تاریخ اندیشه اسلامی همراه فراز و فرودها و آکنده از تحول و دگرگونی‌ها و تنوع برداشت‌ها و نظریه‌هاست. در این تاریخ پر تحول، فرقه‌ها و مذاهب گوناگون و با انگیزه‌ها و مبانی مختلفی ظهور نموده و برخی از آنان پس از چندی به فراموشی سپرده شده‌اند و برخی نیز با سیر تحول همچنان در جوامع اسلامی نقش آفرینند، اما در این میان، فرقه وهابیت را سیر و سرّ دیگری است؛ زیرا این فرقه با آنکه از اندیشه استواری در میان صاحب‌نظران اسلامی برخوردار نیست، اما بر آن است تا اندیشه‌های ناستوار و متحجرانه خویش را به سایر مسلمانان تحمیل نموده و خود را تنها میدان‌دار اندیشه و تفکر اسلامی بقبولاند.

از این رو، شناخت راز و رمزها و سیر تحول و اندیشه‌های این فرقه کاری است بایسته تحقیق که استاد ارجمند جناب آقای علی اصغر رضوانی با تلاش پیگیر و درخور تقدیر به

ص: ۹

زوایای پیدا و پنهان این تفکر پرداخته و با بهره‌مندی از منابع تحقیقاتی فراوان به واکاوی اندیشه‌ها و نگرش‌های این فرقه پرداخته است.

ضمن تقدیر و تشکر از زحمات ایشان، امید است این سلسله تحقیقات موجب آشنایی بیشتر با این فرقه انحرافی گردیده و با بهره‌گیری از دیدگاه‌های اندیشمندان و صاحب‌نظران در چاپ‌های بعدی بر ارتقای کیفی این مجموعه افزوده شود.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه کلام و معارف

ص: ۱۰

پیشگفتار

برخی سؤال می‌کنند: چرا بعد از وفات رسول خدا (ص) در بین مسلمانان اختلاف پدید آمد و در طول تاریخ این اختلاف ادامه پیدا کرد و هم اکنون نیز این اختلاف را مشاهده می‌کنیم؟ آیا این، ناشی از نقص در دین اسلام و تعلیمات آن است که نتوانسته مسلمانان و پیروان خود را بر یک اصل و حقیقت جمع نماید؟ یا اینکه دین اسلام در این جهت ناقص نبوده، بلکه پیامبر اکرم (ص) - العیاذ بالله - در این مسأله کوتاهی کرده است؟ و یا اینکه از این دو جهت هیچ نقص و کوتاهی وجود ندارد، بلکه مشکل در مسلمانان است که به دستورات اسلام و پیامبرش گوش فرا ندادند و لذا به مصیبت تفرقه و تشتت گرفتار شدند، مصیبتی که باعث شد تا از این طریق دشمنان اسلام بر آنان غلبه کرده و آبرو و حیثیت و منافع آنان را به غارت برند؟! ما معتقدیم که اسلام دین کامل و جامع بوده در طرح‌هایی

ص: ۱۱

که باعث عزت مسلمانان و صلاح آنان است هیچ کوتاهی نداشته است. و پیامبر اکرم (ص) نیز در این راستا به وظیفه خود عمل کرده و هیچ کوتاهی نداشته است، تنها مشکل از ناحیه مسلمانان و دشمنان آنان است.

اختلاف امری طبیعی به نظر می‌رسد ولی آنچه مهم است اینکه برای حل آن وعدم منازعه و خصومت به نحوی که دشمن سوء استفاده نکند چه باید کرد. آری، برخی از مسائل است که منشأ اختلاف در جامعه اسلامی است ولذا خداوند متعال مردم جامعه را از این طریق امتحان خواهد کرد.

در چنین فضایی که دشمنان برای نابودی و ضربه زدن به اسلام نقشه‌های خطرناکی کشیده که عمده آنها اختلاف و نزاع بین مذاهب و فرقه‌های اسلامی است جا دارد که راه کارهای اسلام را برای رسیدن امت اسلامی به وحدت سیاسی و حقیقی تبیین نماییم تا هم بتوانیم مردم را از جامعیت اسلام مطلع ساخته که در این زمینه نیز دستور جامع و کامل دارد و نیز راه حلی برای یک پارچگی و تقریب اسلامی بین وهابیان و دیگر مذاهب اسلامی بیان نماییم.

این در حالی است که وهابیان تقریب و راهکارهای آن را به باد مسخره گرفته و آن را رد کرده‌اند.

دکتر قفاری می‌گوید:

و كان لابد من دراسة مسألة التقريب دراسة علمية موضوعية توضح الرؤية وتبين الطريق ليكون التقريب - ان امكن - على بينة ومنهج واضح وسبيل راشد .. وما قاله علماء الفرق وأئمة

ص: ۱۲

العقیده والدین هو مجرد وهم من الأوهام. (۱)

باید مسأله تقریب به طور علمی دقیق مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا دید انسان را روشن کرده و راه را برای تقریب در صورت امکان!! به طور آشکار و واضح و راه معقول روشن کند... ولی آنچه را علمای فرق و امامان عقیده و دین گفته‌اند، همگی مجرد توهم و خیالی از خیالات است.

۱- مسألة التقرب بين أهل السنة والشيعة، ناصر بن عبدالله بن علی قفاری، ج ۲، ص ۲۷۸.

ص: ۱۳

مفهوم تقریب اسلامی**اشاره**

«تقریب اسلامی»؛ یعنی هر کس که مسلمان است از هر مذهب و آیینی که هست به لحاظ مشترکات دینی که دارد دشمن مشترک نیز دارد، لذا باید صفوف خود را مقابل دشمن مشترک فشرده کرده و در برابر او بایستند. و کاری نکنند که دشمن از وضعیت آنها سوء استفاده کرده و در رسیدن به اهداف شوم او کمک کار باشند.

دشمن که چشم طمع به منافع کشورهای اسلامی دوخته و دشمن سرسخت مسلمانان است از آنجا که نمی‌تواند با همه آنان مقابله کند، ابتدا آنان را از هم جدا کرده و به جان هم می‌اندازد تا نیروهایشان مستهلک شود آن‌گاه به سراغ تک تک آنها می‌رود و در این صورت می‌تواند به پیروزی برسد.

این در حالی است که وهابیان تقریب را به معنای نزدیک کردن دیگران به آیین خود و اجبار نمودن دیگران به از دست برداشتن از عقاید و افکار خود تفسیر کرده‌اند.

ص: ۱۴

اقسام تقریب اسلامی**اشاره**

اسلام برای نجات مسلمین از ضلالت و گمراهی و تشّت دو نوع دستورالعمل صادر کرده و طرح آن را داده است:

۱. تقریب سیاسی

این طرح که کوتاه مدت و مقطعی و اورژانسی است به جهت یکپارچگی مسلمانان داده شده است؛ زیرا آنان نقاط مشترکی داشته و در نتیجه دشمن مشترکی هم دارند.

۲. تقریب حقیقی

اسلام طرح درازمدت و اساسی دیگری نیز داده است که بر اساس آن، امت اسلامی با عمل کردن به آن می‌توانند به سعادت دنیا و آخرت برسند که همان یکی شدن بر اساس محور امام به حقّ و شخص معصوم است.

دعوت قرآن به تقریب سیاسی

خداوند متعال می‌فرماید:

(مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ....) (فتح: ۲۹)

محمد (ص) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند.

خداوند متعال در این آیه خط قرمز را کفر برشمرده و از تمام کسانی که با پیامبرند و او را پیامبر خود می‌دانند می‌خواهد تا در برابر کفار

ص: ۱۵

یکپارچه و با هم مهربان باشند.

خداوند متعال می‌فرماید:

(وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ) (انفال: ۴۶)

و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود!

دعوت روایات به تقریب سیاسی

از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود:

ذِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَاحِدَةٌ يَسْعَى بِهَا أَدْنَاهُمْ وَهُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ، فَمَنْ أَخْفَرَ مُسْلِمًا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ لَا يَقْبَلُ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَرْفٌ وَلَا عَدْلٌ. (۱)

ذمه مسلمانان یکسان است و به آن کس می‌تواند حق خود را طلب کند و همه در مقابل دشمنان واحدند، پس هر کس با مؤمنی عهد شکنی کند لعنت خدا و ملائکه و همه مردم بر او باد و خداوند در روز قیامت از او هیچ چیزی را قبول نمی‌کند.

از امام علی (ع) نقل شده که فرمود: «الْحَجُّ تَقْوِيَةٌ»

۱- صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۶، و نظیر آن اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۶.

ص: ۱۶

لِلدِّينِ» (۱)؛ «حج موجب تقویت دین است».

و حج از آن جهت که محل اجتماع ملت‌های اسلامی با گرایش‌های مختلف است می‌تواند باعث تألیف قلوب آنان شده و موجب اتحاد در برابر دشمنان گردد.

آیت الله شهید مطهری در مورد تقریب سیاسی می‌فرماید:

مقصود از وحدت اسلامی چیست؟ آیا مقصود این است که از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شود؟ یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود و مفترقات همه آنها کنار گذاشته شود و مذهب جدیدی به این نحو اختراع شود که عین هیچ یک از مذاهب موجود نباشد؟ یا اینکه وحدت اسلامی به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد و مقصود از مسلمانان، اتحاد پیروان مذاهب مختلف در عین اختلافات مذهبی در برابر بیگانگان است؟ مخالفین اتحاد مسلمین برای این که از وحدت اسلامی مفهومی غیر منطقی و غیر عملی بسازند آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می‌کنند تا در قدم اول با شکست مواجه گردد. بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مفترقات آنها- که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی- نیست، منظور این دانشمندان متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمن مشترکشان. این دانشمندان می‌گویند: مسلمین مایه وفاق‌های بسیاری

ص: ۱۷

دارند که می‌تواند مبنای یک اتحاد محکم گردد ... (۱)

برخی از مشترکات امت اسلامی

۱. ایمان به خدای واحد.
 ۲. ایمان به قرآن کریم بدون هیچ گونه تحریف در آن.
 ۳. ایمان به سنت نبوی و رسالت او.
 ۴. عمل به روایات مسند از اهل بیت؛ که به جهت اسناد آن به رسول خدا (ص) مورد قبول اهل سنت نیز قرار گرفته است.
 ۵. محبت اهل بیت:.
 ۶. ایمان به خروج حضرت مهدی (ع).
 ۷. التزام به ارکان عملی از قبیل: نماز، زکات، روزه و حج
 ۸. توجه به کعبه هنگام نماز.
- این در حالی است که وهابیان این مشترکات را رها کرده و دعوت به تقریب و وحدت بر اساس آن را بدعت می‌دانند.
دکتر قفاری می‌گوید:
- فكانت دعوة التقريب هي البدعة الكبرى التي أرادت أن تعطى الكفر والظلال والاحاد صفة الشرعية واسم الإسلام. (۲)

۱- شش مقاله، شهید مطهری، ص ۲۱۲.

۲- مسألة التقريب بين أهل السنة والشيعة، دکتر قفاری وهابی.

ص: ۱۸

دعوت تقریب همان بدعت بزرگ است که اراده کرده تا از این راه کفر و گمراهی و بی‌دینی را عنوان شرعی داده و اسم اسلام را بر آن بنهد.

راهکارهای تقریب سیاسی

اشاره

برای رسیدن به تقریب سیاسی راه کارهایی پیشنهاد می‌شود:

۱. شناخت هر مذهب از منابع آن

تصور فرع تصدیق است، و خوب تصور کردن و فهمیدن تنها با مراجعه به مصادر طرف مقابل یا علمای معروف و مورد اعتماد حاصل می‌شود.

از باب مثال: مسأله تحریف قرآن، سجده بر تربت و اعتقاد به بداء در این موضوعاتی که شیعه مورد هجوم قرار گرفته و یا موضوع توسل و استغاثه به ارواح اولیا و تبرک و دیگر موضوعاتی که مورد اختلاف بین وهابیان و دیگر فرقه‌های اسلامی است که اگر به مصادر و منابع یا علمای شیعه و اهل سنت مراجعه شود می‌توان با به دست آوردن آرای آنان به نظر صحیح رسیده و نزاع و خصومت را برطرف نمود.

عادل غضبان، مدیر مجله مصری «الکتاب» در مقدمه جلد سوم

ص: ۲۱

«الغدیر» می‌نویسد:

این کتاب، منطق شیعه را روشن می‌کند و اهل سنت می‌توانند به وسیله این کتاب، شیعه را به طور صحیح بشناسند. شناسایی صحیح شیعه سبب می‌شود که آرای شیعه و سنی به یکدیگر نزدیک شود و مجموعاً صف واحدی تشکیل دهند. (۱)

این در حالی است که وهابیان بدون اطلاع از مفاد کتاب‌های مخالفان خود، آنان را تکفیر نموده و به جهت اعتقاد به برخی مسایل از دین خارج می‌نمایند.

۲. حسن ظنّ به دیگری

خداوند متعال می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ (حجرات: ۱۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است.

از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود:

إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ؛ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ، وَلَا تَحَسَّسُوا وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَنَاجَشُوا وَلَا تَحَاسِدُوا وَلَا تَدَابَّرُوا وَلَا تَبَاغَضُوا، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا، وَلَا يَحِلُّ

۱- شش مقاله شهید مطهری/، ص ۲۲۱ به نقل از او.

ص: ۲۲

لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ. (۱)

از گمان بد به دیگری پرهیزید؛ زیرا گمان بد، بدترین گفتار است، واحساس بد به کسی نداشته باشید و تجسس نکنید، وجست و جو نکنید و به یکدیگر حسد نورزید و به همدیگر پشت ننمایید، وبغض همدیگر را در دل نداشته باشید. بنده خدا و برادران یکدیگر باشید، و بر مسلمان جایز نیست با برادرش بیش از سه روز قهر نماید.

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود:

الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ وَهُوَ عَيْنُهُ وَمِرَاتُهُ وَدَلِيلُهُ، لَا يَخُونُهُ وَلَا يَخْدَعُهُ وَلَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَكْذِبُهُ وَلَا يَغْتَابُهُ. (۲)

مسلمان برادر مسلمان است، مسلمان چشم مسلمان و آینه و راهنمای اوست، هرگز به مسلمان خیانت و خدعه و ظلم نمی کند و به او دروغ نگفته و غیبت او را نمی نماید.

آیت الله شهید مطهری می فرماید:

اسلام وحدت مسلمین را خواسته است. اکنون باید ببینیم که این وحدت مستلزم این است که همه مسلمین از یک مذهب پیروی

۱- التاج الجامع للأصول، ج ۵، ص ۲۹، رجوع شود به اصول کافی، ج ۲، ص ۲۴۴.

۲- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۶۶. و شبیه آن، التاج الجامع، ج ۵، ص ۵۴.

ص: ۲۳

کنند و فرقه فرقه شدن آنها مانع وحدت آنهاست یا آن چیزی که مانع وحدت است بیشتر سوء تفاهماتی است که با یکدیگر دارند؟ به عقیده ما دومی است ... (۱)

و معنای اسلام در روایات به آن اشاره شده و نیز مسلمان معروفی گشته است.

۳. عدم حکم به لوازم اعتقادات

یکی از راه کارهای تقریب سیاسی حکم نکردن به لوازم اعتقادات افراد است.

از باب مثال: اشاعره معتقد به جبرند، مخالفان آنها نباید بگویند که اشاعره اعتقادی بر خلاف قرآن دارند و هرکس که بر خلاف قرآن اعتقاد دارد مخالف قرآن است و مخالف قرآن مخالف خدا و رسول بوده و مخالف آن دو کافر است و کافر باید کشته شود. این لوازم را اشعری قبول ندارد و لذا نمی‌توان او را ملتزم به آن نموده و حکم را بر او مترتب کرد.

همچنین است در مورد اعتقاد معتزله به تفویض و اعتقاد امامیه به نظریه «امر بین الامرین»، یا مسأله توجه به وسائط هنگام دعا و صدا زدن اموات و غیره.

همچنین است در مسائلی همچون توسل و استغاثه به ارواح اولیا و ... که مورد اختلاف بین وهابیان و دیگر فرقه‌های اسلامی است.

۱- یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۷، ص ۴۱۳.

ص: ۲۴

ابن تیمیه می گوید:

... فلازم المذهب ليس بمذهب إلا أن يستلزمه صاحب المذهب ... (۱)

... لازمه مذهب جزء عقائد مذهب به حساب نمی آید مگر آنکه صاحب آن مذهب ملتزم به آن باشد ...

او نیز می گوید:

فالصواب أن مذهب الانسان ليس بمذهب له إذا لم يلتزمه، فإنه إذا كان قد انكره ونفاه كانت اضافته إليه كذباً عليه ... (۲)

صحیح آن است که مذهب انسان آن وقتی مذهب اوست که ملتزم به آن باشد ولی اگر آن را انکار کرده و نفی کند انتساب آن به

او دروغ بر اوست ...

محمدخلیل هراس در شرح نونیه ابن قیم جوزیه می گوید:

والذی يظهر من كلام الأئمة أنهم لا يفرقون في الحكم بين اللوازم البينة الظاهرة واللوازم الخفية؛ فإنّ الانسان قد يذهل عن اللوازم

القريب، بل غالب كلامهم عن اللوازم البينة التي ثبت

۱- مجموعه الفتاوى، ج ۵، ص ۳۰۶.

۲- مجموعه الفتاوى، ج ۲۰، صص ۲۱۷-۲۱۸.

ص: ۲۵

لزومها؛ فإذا ثبت عدم المؤاخذه بها وعدم لزومها فالخفية من باب أولى. (۱)

آنچه از کلام امامان به دست می‌آید اینکه آنان بین لوازم آشکار و ظاهر و لوازم مخفی - در عدم جواز انتساب به افراد - فرق نمی‌گذارند؛ زیرا انسان گاهی از لوازم قریب غافل است، بلکه غالب کلام انسان از لوازم آشکار است که لزومش ثابت می‌باشد. حال اگر نمی‌توان کسی را به لوازم آشکار مؤاخذه کرد پس در لوازم خفی به طریق اولی نمی‌توان انسان را مؤاخذه نمود.

۴. حکم به ظاهر افراد

اشاره

از مصادیق رحمت الهی آن است که احکامش را بر یقین مترتب کرده نه بر گمان و وهم؛ یعنی تا یقین بر خلاف نداری حکم به برائت باید کرد و لذا وهابیان نباید به مجرد مواجهه با عقیده‌ای که ظاهر آن با عقاید آنان سازگاری ندارد، حکم به کفر مخالفان خود نمایند.

قرآن و حکم به ظاهر افراد

خداوند متعال می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ

۱- شرح نونیه ابن قیم، ج ۲، ص ۲۳۵.

ص: ۲۶

عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (نساء: ۹۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که در راه خدا گام می‌زنید (و به سفری برای جهاد می‌روید)، تحقیق کنید! و به خاطر اینکه سرمایه ناپایدار دنیا (و غنایمی) به دست آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند نگویید: مسلمان نیستی.

روایات اهل بیت: و حکم به ظاهر افراد

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود:

الإِسْلَامُ هُوَ الظَّاهِرُ الَّذِي عَلَيْهِ النَّاسُ؛ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَإِقَامَةُ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ وَحُجُّ الْبَيْتِ وَصِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ. (۱)

اسلام همان ظاهری است که مردم بر آنند، یعنی گواهی به وحدانیت خدا و اینکه محمد رسول خداست، و نیز برپا نمودن نماز و پرداخت زکات و قصد خانه خدا و روزه ماه رمضان.

و نیز نقل شده که فرمود:

الإِسْلَامُ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَالتَّصَدِيقُ بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) وَبِهِ حُقِنَتِ الدَّمَاءُ وَعَلَيْهِ جَرَتِ الْمَنَاحِحُ

ص: ۲۷

وَالْمَوَارِيثُ وَعَلَى ظَاهِرِهِ جَمَاعَةُ النَّاسِ. (۱)

اسلام عبارت است از گواهی به وحدانیت خدا و تصدیق رسول خدا (ص) که به توسط آن خون‌ها محفوظ مانده و بر آن نکاح‌ها وارث‌ها جاری می‌گردد، و اجتماع مردم بر ظاهر آن است.

و نیز از امام باقر (ع) نقل شده که فرمود:

وَالْإِسْلَامُ مَا ظَهَرَ مِنْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ، وَهُوَ الَّذِي عَلَيْهِ جَمَاعَةٌ مِنَ النَّاسِ مِنَ الْفِرْقِ كُلِّهَا، وَبِهِ حُقِنَتِ الدِّمَاءُ، وَعَلَيْهِ جَزَتْ الْمَوَارِيثُ، وَجَازَ النِّكَاحُ، وَاجْتَمَعُوا عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ، فَخَرَجُوا بِذَلِكَ عَنِ الْكُفْرِ وَاضِيفُوا إِلَى الْإِيمَانِ. (۲)

اسلام همان ظاهر گفتار و کردار فرد است، و آن چیزی است که اجتماع مردم از تمام فرقه‌ها بر آن می‌باشد، و به توسط آن است که خون‌ها حفظ شده و بر آن ارث‌ها جاری گشته و نکاح جایز می‌شود، و بر نماز و زکات و روزه و حج اجتماع می‌نمایند و به آن از کفر خارج شده و به سوی اسلام منتسب می‌گردند.

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰.

۲- همان.

روایات اهل سنت و حکم به ظاهر افراد

الف) بخاری به سندش از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود:

امْرَأْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَصَيْتُمْ مَنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّ الْإِسْلَامِ وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ. (۱)

من مأمور شده‌ام که با مردم بجنگم تا شهادت به وحدانیت خدا و رسالت محمد داده و نماز به پا داشته و زکات دهند، و چون چنین کردند خون و اموالشان از ناحیه من - به جز به حق اسلام - محفوظ می ماند ولی حساب آنان بر خداوند است.

ابن حجر عسقلانی در شرح این حدیث می گوید: «

وفیه دلیل علی قبول الأعمال الظاهرة والحکم بما يقتضیه الظاهر. (۲)

این حدیث دلیل بر قبول اعمال ظاهر و حکم بر طبق مقتضای ظاهر است.

بغوی در شرح این حدیث می گوید:

۱- صحیح بخاری، کتاب الایمان، باب فان تابوا واقاموا الصلاة.

۲- فتح الباری، ج ۱، ص ۷۷.

ص: ۲۹

وفی الحدیث دلیل علی انّ امور الناس فی معامله بعضهم بعضاً أنّما تجری علی الظاهر من احوالهم دون باطنها. (۱)

این حدیث دلیل بر آن است که مردم در زندگی و معامله با یکدیگر باید بر ظاهر احوالشان حکم جاری کنند نه باطن آنها. (ب) اسامه می گوید:

بَعَثَنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي سَرِيَّةٍ فَصَبَّحْنَا الْحُرَقَاتِ مِنْ جُهَيْنَةَ، فَأَذْرَكْتُ رَجُلًا فَقَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَطَعَنَتْهُ فَوَقَعَ فِي نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ، فَذَكَرْتُهُ لِلنَّبِيِّ (ص) فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَقَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَقَتَلْتَهُ؟! قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّمَا قَالَهَا خَوْفًا مِنَ السَّلَاحِ. قَالَ: أَفَلَا شَقَقْتَ عَنْ قَلْبِهِ حَتَّى تَعْلَمَ أَقَالَهَا أَمْ لَا، فَمَا زَالَ يُكْرِرُهَا عَلَيَّ حَتَّى تَمَنَيْتُ أَنِّي أَسْلَمْتُ يَوْمَئِذٍ. (۲)

رسول خدا (ص) ما را به جنگی فرستاد و صبح هنگام به منطقه حرقات از قبیله جهینه وارد شدیم. مردی را دیدم که لاله الا الله گفت، ولی من نیزه‌ام را بر او فرو بردم. این کار در دلم شک و تردید ایجاد

۱- شرح السنه، بغوی، ج ۱، ص ۷۰.

۲- صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب تحریم قتل الکافر بعد قوله: «لا اله الا الله».

ص: ۳۰

کرد لذا به پیامبر (ص) عرض کردم، حضرت فرمود: آیا او لا اله الا الله گفت و تو او را کشتی؟ عرض کردم: ای رسول خدا! او به جهت ترس از اسلحه کلمه توحید را بر زبان جاری ساخت. حضرت فرمود: آیا قلبش را نشکافتی تا علم پیدا کنی که این کلمه را گفته است یا خیر؟ حضرت این کلمه را چندان تکرار کرد که من آرزو کردم که در آن روز از نو اسلام آورم. نووی در شرح این حدیث می گوید:

ومعناه أنّك أنّما كَلَّفْتَ بالعمل بالظاهر وما ينطق به اللسان، وأما القلب فليس لك طريق إلى معرفة ما فيه، فانكر عليه امتناعه من العمل بما ظهر باللسان ... (۱)

معنای حدیث آن است که انسان مکلف به عمل ظاهر و آنچه از زبان فرد خارج می شود، می باشد و کسی آگاه از آنچه در قلب انسان است نیست، و لذا پیامبر (ص) به جهت امتناع او از عمل به ظاهر کلام انسان، او را انکار کرده است. و نیز می گوید:

وفيه دليل على القاعدة المعروفة في الفقه والاصول ان الأحكام فيها بالظاهر والله يتولى السرائر. (۲)

۱- شرح نووی بر صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۴.

۲- شرح نووی بر صحیح مسلم، ص ۱۰۷.

ص: ۳۱

این حدیث دلیل بر قاعده‌ای معروف در فقه و اصول است که باید حکم به ظاهر افراد گردد و خداست که متولی پنهان افراد است. (ج) معاویه بن حکم سلمی نقل کرده که درباره کنیز خود از رسول خدا (ص) سؤال کردم که آیا می‌توان او را در راه خدا آزاد کرد؟ حضرت فرمود:

إِنِّي بِهَا، فَاتَيْتُهُ بِهَا فَقَالَ لَهَا: أَيْنَ اللَّهُ؟ قَالَتْ: فِي السَّمَاءِ، قَالَ: مَنْ أَنَا؟ قَالَتْ: أَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ، قَالَ: أَعْتَقُهَا فَإِنَّهَا مُؤْمِنَةٌ. (۱)

او را نزد من آور، من او را به نزد رسول خدا (ص) آوردم، حضرت به او فرمود: خدا کجاست؟ او گفت: در آسمان. فرمود: من کیستم؟ عرض کرد: شما فرستاده خدایی. حضرت فرمود: او را آزاد کن که مؤمنه است.

(د) مقدار می‌گوید:

قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَرَأَيْتَ إِنْ اخْتَلَفْتُ أَنَا وَرَجُلٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ضَرْبَتَيْنِ فَقَطَعَ يَدِي، فَلَمَّا هَوَيْتُ إِلَيْهِ لِأَضْرِبَهُ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَأَقْتُلُهُ أَمْ أَدَعُهُ؟ قَالَ:

۱- صحیح مسلم، کتاب المساجد، باب تحریم الکلام فی الصلاة، رقم ۵۳۷.

ص: ۳۲

بَلْ، دَعَاهُ. (۱)

عرض کردم: ای رسول خدا (ص)! اگر من با یکی از مشرکین زد و خورد کردیم و او دست مرا قطع نماید، و چون به طرف او می‌روم تا قصاص نمایم او کلمه توحید را بر زبان جاری سازد، آیا می‌توانم او را به قتل رسانم یا باید رهاش کنم؟ حضرت فرمود: بلکه باید او را رها کنی.

ه) در حدیثی رسول خدا (ص) خطاب به علی (ع) کرده و می‌فرماید:

... قَاتِلْهُمْ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَقَدْ مَنَعُوا مِنْكَ دِمَاءَهُمْ. (۲)

... با آنان بجنگ تا شهادت به وحدانیت خدا و رسالت محمد دهند، و چون چنین گفتند از ناحیه تو خونشان محفوظ است.

و) بخاری نقل کرده:

إِنَّ رَجُلًا قَامَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! اتَّقِ اللَّهَ. فَقَالَ: وَيْلَكَ أَلَسْتُ أَحَقُّ أَهْلَ الْأَرْضِ أَنْ يَتَّقِيَ اللَّهَ! فَقَالَ خَالِدٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص)! أَلَا أُضْرِبُ عُنُقَهُ؟ قَالَ: لَا، لَعَلَّهُ أَنْ يَكُونَ يُصَلِّيَ. (۳)

۱- صحیح بخاری، کتاب مغازی؛ فتح الباری، ج ۷، ص ۳۲۱؛ صحیح مسلم، رقم ح ۱۶۷۸.

۲- صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۱.

۳- صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۰۷.

ص: ۳۳

شخصی بلند شد و عرض کرد: ای رسول خدا! تقوا پیشه کن. حضرت فرمود: وای بر تو! آیا من در بین اهل زمین سزاوارترین افراد به ترس از خدا نیستم؟ خالد گفت: آیا اجازه می‌دهید که گردنش را بزخم؟ حضرت فرمود: هرگز، شاید او نماز می‌خواند. از این حدیث استفاده می‌شود که مجرد نماز خواندن باعث می‌شود که خون کسی محفوظ بماند.
(ز) و نیز به سندش نقل کرده:

أَنَّ أَعْرَابِيًّا أَتَى النَّبِيَّ (ص) فَقَالَ: دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ إِذَا عَمِلْتُهُ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ. فَقَالَ (ص): تَعْبُدُ اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ وَتُؤَدِّي الزَّكَاةَ الْمَفْرُوضَةَ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ. قَالَ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا أَزِيدُ عَلَى هَذَا. فَلَمَّا وَلَّى قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا. (۱)

شخصی اعرابی خدمت پیامبر (ص) رسید و عرض کرد: مرا راهنمایی کن بر عملی که هرگاه آن را انجام دادم وارد بهشت شوم. حضرت فرمود: اینکه خدا را عبادت کنی و هرگز به او شرک نورزی و نمازی را که نوشته شده به پا داری و زکات واجب را پردازی و ماه رمضان را روزه

۱- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۳۰-۱۳۱، باب وجوب الزکاء.

ص: ۳۴

بگیری. آن گاه فرمود: قسم به کسی که جانم به دست اوست زیادتر از این نمی گویم. و چون برگشت حضرت فرمود: هر کس دوست دارد که به فردی از اهل بهشت نظر کند این شخص را نظاره نماید.

ك) و نیز به سندش از عبادۀ نقل کرده که رسول خدا (ص) فرمود:

مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّ عِيسَى عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ، وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ، أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ عَلَى مَا كَانَ مِنَ الْعَمَلِ. (۱)

هر کس به وحدانیت خداوند گواهی دهد و اینکه محمد بنده و رسول اوست و اینکه عیسی بنده خدا و فرستاده و کلمه اوست که به مریم القا نموده و روح خداست، و اینکه بهشت و دوزخ حق است، خداوند او را با هر آنچه از عمل انجام داده وارد بهشت خواهد نمود.

بخاری به سندش از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود:

مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَقْبَلَ قَبْلَتَنَا وَصَلَّى صَلَاتَنَا وَأَكَلَ ذَبِيحَتَنَا فَذَلِكَ الْمُسْلِمُ، لَهُ مَا لِلْمُسْلِمِ وَعَلَيْهِ مَا عَلَى الْمُسْلِمِ. (۲)

۱- صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۰۱.

۲- همان، ج ۲، ص ۱۰۹.

ص: ۳۵

هر کس به وحدانیت خدا شهادت دهد و به طرف قبله ما ایستاده و نماز ما را به جای آورد و از ذبیحه ما بخورد او مسلمان است و هر آنچه به نفع یا ضرر مسلمانی جعل شده برای او نیز می‌باشد.

علمای اهل سنت و حکم به ظاهر

الف) ابن تیمیه می‌گوید:

... فَإِنَّ الْإِيمَانَ الَّذِي عُلِقَتْ بِهِ أَحْكَامُ الدُّنْيَا هُوَ الْإِيمَانُ الظَّاهِرُ وَهُوَ الْإِسْلَامُ ... (۱)

... همانا ایمانی که احکام دنیا بر آن معلق شده ایمان ظاهری می‌باشد که همان اسلام است.

ب) ابن حجر عسقلانی می‌گوید:

... وَ فِي حَدِيثِ ابْنِ عَبَّاسٍ مِنَ الْفَوَائِدِ؛ مِنْهَا الْاِقْتِصَارُ فِي الْحُكْمِ بِاسْلَامِ الْكَافِرِ إِذَا اقْتَرَّ بِالشَّهَادَتَيْنِ. (۲)

... در حدیث ابن عباس فوائدی است از آن جمله اینکه باید در حکم به اسلام کافر اکتفا بر اقرار به شهادتین نمود.

د) شاطبی می‌گوید:

إِنَّ أَصْلَ الْحُكْمِ بِالظَّاهِرِ مَقْطُوعٌ بِهِ فِي الْأَحْكَامِ خُصُوصاً وَبِالنَّسْبَةِ إِلَى الْاِعْتِقَادِ

۱- الایمان، ابن تیمیه، ص ۳۹۸.

۲- فتح الباری، ج ۱۳، ص ۳۶۷.

ص: ۳۶

فی الغیر عموماً؛ فانّ سید البشر مع اعلامه بالوحي یجری الأمور علی ظواهرها فی المنافقین و غیرهم، وان علم بواطن احوالهم، ولم یکن ذلك بمخرجه عن جریان الظواهر علی ماجرت علیه ... (۱)

همان اصل حکم به ظاهر افراد امری قطعی در احکام به طور خصوص و نسبت به اعتقاد غیر به طور عموم است؛ زیرا سید بشر [حضرت محمد (ص)] همراه با اعلام به وحی، امور را بر ظواهر آن نسبت به منافقان و دیگران جاری می‌کرد، گرچه از باطن آنها آگاهی داشت، ولی این آگاهی او را از جریان حکم بر ظواهر افراد باز نمی‌داشت.

ه) ذهبی می‌گوید:

ورأیت للأشعری کلمة أعجبتنی وهی ثابتة رواها البیهقی، سمعت اباحزم العبدری، سمعت زاهر بن احمد السرخسی یقول: لَمَّا قَرَبَ حَضُورَ أَجْلِ أَبِي الْحَسَنِ الْأَشْعَرِيِّ فِي دَارِي بَغْدَادَ دَعَانِي فَأَتَيْتُهُ فَقَالَ: أَشْهَدُ عَلَيَّ أَنْي لَا أَكْفُرُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْقِبْلَةِ؛ لِأَنَّ الْكُلَّ يَشِيرُونَ إِلَى مَعْبُودٍ

۱- الموافقات، شاطبی، ج ۲، ص ۲۷۱-۲۷۲.

ص: ۳۷

واحد؛ و انما هذا كله اختلاف العبارات. قلت: وبنحو هذا أدین، وكذا كان شيخنا ابن تيمية في اواخر ايامه يقول: انا لا اكفر احداً من الأمة ويقول: قال النبي (ص): لا يحافظ على الوضوء إلا مؤمن، فمن لازم الصلوات بوضوء فهو مسلم. (۱)

از ابوالحسن [علی بن اسماعیل] اشعری کلمه‌ای شنیدم که مرا به تعجب واداشته است، و آن کلمه‌ای است که بیهقی آن را نقل کرده است. از ابو حزم عبدری شنیدم که زاهر بن احمد سرخسی می گفت: چون هنگام مرگ ابوالحسن اشعری در خانه‌اش در بغداد فرا رسید نزد او رفتم او گفت: گواهی بده بر من که هرگز کسی از اهل قبله را تکفیر نخواهم کرد؛ زیرا همه به یک معبود اشاره دارند، و اینها همه اختلاف عبارت است. می گویم: من نیز ملتزم به این مطلب می باشم، و نیز استاد ما ابن تیمیه در اواخر عمرش می گفت: من هیچ فردی از امت اسلامی را تکفیر نمی کنم. و می گفت: پیامبر (ص) فرمود: بر وضو به جز مؤمن محافظت نمی کند. پس هر کس مواظب نماز همراه با وضویش باشد مسلمان است.

(و) رشید رضا در تفسیر «المنار» می گوید:

ان من اعظم ما بليت به الفرق الاسلاميه رمى بعضهم بعضاً بالفسق

۱- سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۵۴۲.

ص: ۳۸

والکفر مع ان قصد کل الوصول إلى الحق بما بذلوا جهدهم لتأييده واعتقاده والدعوة إليه، فالمجتهد وان اخطأ معذور ... (۱)

همانا از مهم‌ترین چیزهایی که فرقه‌های اسلامی به آن مبتلا هستند اینکه برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به فسق و کفر می‌دهند، با آنکه هدف هر کدام از آنها رسیدن به حق است با آنچه که از کوشش برای تأیید و اعتقاد به حق و دعوت به آن بذل کرده است. پس مجتهد گرچه خطا کرده معذور است ...

(ز) ابن حزم می‌گوید:

وذهب طائفة إلى أنه لا يكفر ولا يفسق مسلم بقول قاله في اعتقاد أو فتيا، وأن كل من اجتهد في شيء من ذلك فدان بما رأى أنه الحق فإنه مأجور على كل حال، ان أصاب فأجران وان اخطأ فأجر واحد.

قال: وهذا قول ابن أبي ليلى، وأبي حنيفة والشافعي وسفيان الثوري وداود بن علي، وهو قول كل من عرفنا له قولاً في هذه المسألة من

۱- تفسیر المنار، ج ۷، ص ۱۴۱ ...

ص: ۳۹

الصحابه لا نعلم منهم خلافاً فی ذلك اصلاً. (۱)

طائفه‌ای معتقدند که نباید مسلمانی را نسبت به کفر و یا فسق داد به جهت گفتاری که در باب اعتقاد یا فتوا داده است، و این که هر مجتهدی در این مسائل به آنچه اعتقاد پیدا کرده که حق است به هر حال مأجور می‌باشد، اگر به واقع رسیده دو اجر دارد و اگر به خطا رفته یک ثواب دارد.

آن گاه می‌گوید: این قول ابن ابی لیلی و ابوحنیفه و شافعی و سفیان ثوری و داود بن علی است، و نیز قول هر صحابی که گفتار او را در این مسأله شناخته‌ایم و از آنها خلافتی در این مسأله هرگز سراغ نداریم.

ك) محمد ناصر البانی می‌گوید:

فإن مسألة التكفير عموماً- لا للحكام فقط بل وللمحكومين ايضاً- هي فتنه عظیمه قديمه تبنتها فرقه من الفرق الاسلاميه القديمه وهي المعروفة بالخوارج. (۲)

همانا مسأله تکفیر به طور عموم- نه تنها برای حاکمان فقط بلکه برای محکومان نیز- فتنه‌ای بزرگ و قدیمی است که فرقه‌ای قدیمی از فرقه‌های اسلامی آن را پذیرفته است، فرقه‌ای معروف به

۱- الفصل فی الأهواء والملل والنحل، ج ۳، ص ۲۹۱.

۲- فتنه‌التکفیر، ص ۱۴.

ص: ۴۰

خوارج.

وهابیان با تکفیر سریع مخالفان خود و بدون توجه به نیت و توجیه آنان با قرآن و حدیث و سخن علما به مخالفت پرداخته‌اند.

۵. گفت‌وگو در مسائل اختلافی

عبدالحکیم محمد ابوشقه می‌گوید:

نتعاون فیما اتفقنا علیه ونتحاور فیما اختلفنا فیه. (۱)

در مسائل اتفاقی همدیگر را کمک کرده و در مسائل اختلافی گفت‌وگو خواهیم کرد.

۶. دوری از خط غلو

شکی نیست که در هر دین و مذهبی افراد غالی وجود داشته است و بر ماست که از آنها دوری کنیم، ولی لازم است که قبل از هر چیز مفهوم غلو و مصادیق آن را به نحو احسن از قرآن و سنت و عقل فراگیریم تا بی‌جهت کسی را به این عنوان متهم نسازیم؛ کاری که وهابیان کنونی آن را انجام می‌دهند.

حسن بن فرحان مالکی از علمای اهل سنت در مقاله‌ای تحت عنوان: «قراءة فی التحولات السنیة للشیعة» می‌گوید:

فعندما یأتی الدكتور التیجانی إلی

۱- به نقل از دکتر یوسف قرضاوی.

ص: ۴۱

الشيعة الذين ينشر غلاة السنة بأنهم - أي الشيعة - انما يعبدون علياً ويزعمون ان جبرئيل أخطأ، وأنهم يريدون الكيد للاسلام من باب التشيع، وانهم يمتلكون مصاحف أخرى غير مصاحفنا، وأنهم حاقدون على الإسلام، ويتزاجون سفاحاً وغير ذلك من التشويهات بل الافتراءات التي تزيد شباب السنة شكوكاً اذا اكتشفوا الحقيقة واذا فقدوا الثقة في علمائهم وباحثيهم، فلا ينتظر منهم العلماء إلا هذا التحول الحاد والشك بالمنظومة السنية كلها ...

الجانب السني المتأخر بعد القرون الثلاثة الأولى إلى اليوم اصابته ردة فعل من غلو الشيعة في ذم الصحابة، فقام اهل السنة وغلوا في جانب الصحابة ونقلوا الآيات والأحاديث التي تحمل الثناء ولم ينقلوا الآيات والأحاديث التي تنقل العتب بل

ص: ۴۲

والذم في بعض المواقف ... وسيبقى الغلو السلفي من اكبر الأمور المساعدة على الانتقال الحادّ إلى الشيعة ما لم يسارع عقلاء السلفية بنقد الغلو داخل التيار السلفي نفسه، ذلك الغلو المتمثل في كثرة الأحاديث الضعيفة والموضوعة التي نشدّ بها المذهب وكثرة التكفيرات المخالفة للمنهج النظري، كتكفير ابي حنيفة والاحناف وتكفير الشيعة والجهمية والمعتزلة ...

مسألة الغلو في دعوى الاجتهاد من اسباب نفرة التيجاني عن المذهب السني؛ اذ لحظتُ انّ التيجاني اخذ يسخر من زعمنا بان معاوية اجتهد وهو ماجور على قتال علي وقتل حجر بن عدى وسب علي على المنابر واستلحاق زياد ومخالفة الاحاديث و ... وانّ يزيد ماجور على قتل الحسين واستباحة الحرّة ... وحقيقه انّ هذا ليس رأي اهل السنّة المتقدمين، انما رأي من تلبس باسم السنّة من النواصب أو ممّن اخذته

ص: ۴۳

ردود الأفعال ... (۱)

هنگامی که دکتر تیجانی به سراغ شیعه می‌رود، همان غالیان سنی می‌گویند: شیعه علی را عبادت می‌کند و گمان می‌کند که جبرئیل خطا کرده است، و شیعه درصدد ضربه زدن به اسلام از راه تشیع است، و آنان قرآن‌های دیگری غیر از قرآن ما دارند، و آنان نسبت به اسلام کینه دارند، و ازدواجشان زنا است، و دیگر شبهات بلکه تهمت‌هایی که گاهی شک‌های جوانان اهل سنت را نسبت به صداقت ما بیشتر می‌کند هنگامی که حقیقت را کشف کرده و اعتماد خود را نسبت به محققان و علمای خود سلب نمودند. ولذا علما نمی‌توانند از این جوانان انتظاری جز این تحول طبیعی و شک به تمام حوزه‌های علمی سنی داشته باشند ...

اهل سنت متأخر بعد از سه قرن اول تا به امروز در مقابل غلو شیعه در مذمت صحابه، درصدد برآمدند تا درباره صحابه غلو نموده و آیات و احادیثی را نقل کنند که تنها درصدد ثناگویی صحابه است و هرگز آیات و احادیثی که متضمن عتاب و سرزنش و بلکه مذمت در برخی از موارد است را نقل نکردند ...

غلوی که سلفی‌ها دارند می‌تواند از بزرگ‌ترین اموری باشد که زمینه ساز انتقال اهل سنت به شیعه باشد و تا مادامی که عقلای سلفیه هرچه زودتر به فکر چاره نیفتند و درصدد نقد غلوی که

۱- المجله، شماره ۱۰۸۲، تاریخ ۱۱ / ۱۱ / ۲۰۰۰ م، تحت عنوان «قراءة في التحولات السنية للشيعة».

ص: ۴۴

داخل افراد خودشان است نباشند؛ همان غلوئی که در بسیاری از احادیث ضعیف و جعلی در تأیید مذهب آنها نمودار گشته و روش‌های مخالف خود همچون ابوحنیفه و احناف و شیعه و جهمیه و معتزله را تکفیر نموده‌اند، وضع به همین منوال بوده و فوج فوج جوانان از تسنن به تشیع می‌گروند ...

مسأله غلو در ادعای اجتهاد از اسباب نفرت دکتر تیجانی از مذهب سنی بوده است؛ زیرا ملاحظه می‌کنیم که او چگونه مسخره می‌کند گمان ما را که معاویه اجتهاد کرده و در جنگ با علی و کشتن صحابه و حجر بن عدی و سب علی بر منابر و ملحق کردن زیاد به خود و مخالفت با احادیث و ... مأجور بوده است، و این که یزید در کشتن حسین و واقعه حرّه مأجور بوده است ...

حقیقت مطلب این است که این حرفها رأی پیشینیان از اهل سنت نبوده است؛ بلکه تنها رأی نواصب بوده که اسم اهل سنت را بر خود نهاده‌اند و یا کسانی که در مقابل غالیان شیعه چنین عکس‌العملی از خود نشان داده‌اند ...

شیخ صدوق از امام علی بن موسی الرضا (ع) در ضمن دعایی چنین نقل می‌کند:

اللَّهُمَّ إِنِّي بَرِيءٌ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَأَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الَّذِينَ ادَّعَوْا لَنَا مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا فِينَا مَا

ص: ۴۵

لَمْ نَقُلْهُ فِي أَنْفُسِنَا، اللَّهُمَّ لِمَكَ الْخَلْقُ وَمِنْكَ الرِّزْقُ وَإِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَالِقُنَا وَخَالِقُ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ وَآبَائِنَا
الْآخِرِينَ، اللَّهُمَّ لَا تَلْبِقُ الرُّبُوبِيَّةَ إِلَّا بِكَ وَلَا تَصِلِحِ الْإِلَهِيَّةَ إِلَّا لَكَ، فَالْعَنِ النَّصَارَى الَّذِينَ صَعَّزُوا عَظَمَتَكَ وَالْعَنِ الْمُضَاهِينِ لِقَوْلِهِمْ مِنْ
بَرِيَّتِكَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا عِبِيدُكَ وَأَبْنَاؤُكَ عِبِيدِكَ لَا نَمْلِكُ لَأَنْفُسِنَا نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَحَيَاةً وَلَا نُشُورًا.

اللَّهُمَّ مَنْ زَعَمَ أَنَا أَرْبَابٌ فَحَنُ مِنْهُ بَرَاءٌ، وَمَنْ زَعَمَ أَنَّ إِلَيْنَا الْخَلْقُ وَعَلَيْنَا الرِّزْقُ فَحَنُ بَرَاءٌ مِنْهُ كِبْرَاءُهُ عَيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ (ع) مِنَ النَّصَارَى.
اللَّهُمَّ إِنَّا لَمْ نَدْعُهُمْ إِلَى مَا يَزْعُمُونَ؛ فَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا يَقُولُونَ، وَاعْفِرْ لَنَا مَا يَدْعُونَ، وَلَا تَدْعُ عَلَيَّ الْأَرْضِ مِنْهُمْ دِيَارًا إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ
يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاغْرًا كَفَّارًا. (۱)

ص: ۴۶

حاصل کلام امام رضا (ع) این است که خدایا من از اسناد حول وقوت به غیر تو، براءت می‌جویم. هیچ حول وقوتی نیست مگر به تو. به تو پناه می‌برم، و از کسانی که آنچه حقّ و سهم ما نیست، درباره ما ادّعا دارند، به سوی تو براءت می‌جویم. خدایا، من از کسانی که چیزهایی درباره ما گفتند که ما به آن معتقد نبوده و چیزی از آن را درباره خود قائل نیستیم، به سوی تو براءت می‌جویم. خدایا آفرینش همگان از آن تو و روزی هر کسی از جانب توست و ما تنها تو را عبادت می‌کنیم و تنها از تو کمک می‌جویم. خدایا تو آفریدگار ما و همه پدران ما هستی. ربوبیت تنها سزاوار توست و الوهیت جز برای تو صلاحیت ندارد. پس ترسایانی که از عظمت تو کاستند و کسانی را که عقاید و گفتارشان شبیه آنان است، از رحمت خاص خود دور کن. خدایا ما بندگان مالک هیچ چیز خود نیستیم، سود و زیان، مرگ زندگی و حیات پس از آن در اختیار ما نیست. از هر کس که پندارد ما ربوبیت داریم، بیزاریم، و هر کس گمان برد آفرینش و روزی به دست ماست، همان‌گونه که عیسی بن مریم از نصاری تبری جست، از او تبری می‌جویم. هرگز اینان را به چنین پندارهایی فرا نخواندیم، پس ما را به گفتار آنان مؤاخذه مکن و ما را بر ادّعاهایشان ببخشا، و هیچ یک از آنان را بر روی زمین باقی مگذار که اگر باقی گذاری، بندگان تو را گمراه کنند و جز فاجر و کافر نزنایند.

۷. پرهیز از کید دشمنان اسلامی

ص: ۴۷

خداوند متعال می‌فرماید:

(وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ) (انفال: ۴۶)

و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود!

از سیاست‌های قدیمی دشمنان «تفرقه بینداز و حکومت کن» است که وهابیان با تکفیر سایر فرقه‌های اسلامی دشمن را در این راستا کمک می‌نمایند.

۸. ضرورت یک صدایی به هنگام شهادت

خداوند متعال می‌فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ) (صف: ۴)

خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند گوئی بنایی آهنین‌اند!

و می‌فرماید:

(مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ) (فتح: ۲۹)

محمد (ص) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند.

و هابیان باید بدانند که عموم مسلمانان دشمنان مشترکی دارند که با قرآن و پیام‌آور آن و اسلام مخالفند و در صدد ضربه زدن به آن می‌باشند،

ص: ۴۸

ولی آنان این دشمنان را رها کرده و به جان مسلمانان افتاده‌اند.

۹. پرهیز از کلمات حساسیت‌زا و نفرت‌انگیز به یکدیگر

هنگامی که با طرف مخالف روبرو می‌شویم یا کتاب می‌نویسیم باید از کلمات تنفرآمیز و حساسیت‌زا از طرف مقابل بپرهیزیم؛ امثال: اطلاق کلمه رافضی به شیعه و ناصبی به سنی، و اطلاق کافر و مشرک از سوی وهابیان به دیگر فرقه‌های اسلامی.

خداوند متعال می‌فرماید: (وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ)؛ «با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید». (حجرات: ۱۱)

محمد بن سنان می‌گوید: مفضل بن عمر بعد از آن که از ابن ابی‌العوجاء، کلامی را در ردّ خالق و صانع شنید به او گفت:

يَا عَدُوَّ اللَّهِ أَلْحَدَّثَ فِي دِينِ اللَّهِ وَأَنْكَرْتَ الْبَارِيَّ ... فَقَالَ ابْنُ أَبِي الْعَوْجَاءِ لِلْمَفْضَلِ: يَا هَذَا! إِنْ كُنْتُ مِنْ أَهْلِ الْكَلَامِ كَلَّمْنَاكَ، فَإِنْ نَبَيْتَ لِسَكَ حُجَّةً تَبِعْنَاكَ وَإِنْ لَمْ تَكُنْ مِنْهُمْ فَلَا كَلَامَ لِسَكَ، وَإِنْ كُنْتَ مِنْ أَصْحَابِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ فَمَا هَكَذَا يُخَاطِبُنَا وَلَا يَمِثُلُ دَلِيلَكَ يُجَادِلُنَا، وَلَقَدْ سَمِعَ مِنْ كَلَامِنَا أَكْثَرَ مِمَّا سَمِعْتَ، فَمَا أَفْحَشَ فِي خُطَابِنَا

ص: ۴۹

وَلَا تَعِدِّي فِي جَوَابِنَا! وَإِنَّهُ لِلْحَكِيمِ الرَّزِينِ، الْعَاقِلِ الرَّصِينِ، لَا يَغْتَرِيهِ خُرْقٌ وَلَا طَيْشٌ وَلَا نَزَقٌ، يَسْمَعُ كَلَامَنَا وَيُصْغِي إِلَيْنَا وَيَتَعَرَّفُ حُجَّتَنَا حَتَّى اسْتَفْرَغَنَا مَا عِنْدَنَا وَظَنَّنَا أَنَا قَدْ قَطَعْنَا أَدْحَضَ حُجَّتِنَا بِكَلَامٍ يَسِيرٍ وَخِطَابٍ قَصِيرٍ، يُلْزِمُنَا بِهِ الْحُجَّةَ وَيَقْطَعُ الْعُدْرَ وَلَا نَسْتَطِيعُ لِحُجَابِهِ رَدًّا، فَإِنْ كُنْتُ مِنْ أَصْحَابِهِ فَخَاطِبُنَا بِمِثْلِ خِطَابِهِ (۱)

ای دشمن خدا! در دین خدا الحاد می‌ورزی و منکر خدا می‌شوی؟ ... ابن ابی العوجاء به مفضل گفت: ای مرد! اگر اهل گفت‌وگویی با هم سخن خواهیم گفت، اگر دلیل به نفع تو بود از تو پیروی می‌کنم و اگر اهل گفت‌وگو نیستی حرفی با تو نیست. اگر تو از یاران جعفر بن محمد صادق هستی بدان که وی با ما چنین سخن نمی‌گوید و با چنین دلیلهایی گفت‌وگو نمی‌کند و از زبان ما بیشتر از آنچه شنیده‌ای، شنیده است و هیچ‌گاه در گفت‌وگو با ما ناسزا نمی‌گوید و در پاسخ ما حق‌کشی نمی‌کند. وی فردی حلیم، باوقار، خردمند و استوار است؛ هیچ‌گاه نادانی، شتابزدگی و بی‌باکی بر وی عارض نمی‌شود. سخن ما را می‌شنود و به ما توجه می‌کند و از دلیلهای ما هرچه که داریم آگاه می‌شود، به گونه‌ای که فکر

ص: ۵۰

می‌کنیم راه را بروی بسته‌ایم، آن‌گاه با سخنی ساده و کلامی کوتاه، استدلال ما را از بین می‌برد و دلیل خود را اثبات می‌کند و عذر ما را قطع می‌کند و نمی‌توانیم در جوابش پاسخی بدهیم. اگر تو از یاران وی هستی مثل وی با ما گفت‌وگو کن.

۱۰. پرهیز از ناسزا گفتن به مقدسات طرف مقابل

از راه کارهای تقریب بین ادیان و مذاهب پرهیز از ناسزا گفتن و دشنام دادن به مقدسات طرف مقابل است؛ زیرا او نیز تحریک شده و به مقدسات ما اهانت می‌کند.

خداوند متعال می‌فرماید:

(وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ) (انعام: ۱۰۸)

(به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبدا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند!

۱۱. رعایت اخلاق اسلامی نسبت به یکدیگر

معاویه بن وهب می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم:

کیف ینبغی لنا أن نضنح فیما بیننا و بین قومنا و بین خلطائنا من الناس ممن لیسوا علی امرنا؟ قال: تَنْظُرُونَ إلی أئمتکم الذین تفتدُونَ بهم فتنصعون ما یصنعون فوالله إنهم

ص: ۵۱

لِيَعُوذُونَ مَرَضَاهُمْ وَيَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَيَقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَيُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ. (۱)

چگونه بر ما سزاوار است تا بین خود و قوم خود و کسانی که از اهل سنت با آنها معاشرت داریم از کسانی که بر ولایت شما همانند ما نیستند رفتار نماییم؟ حضرت فرمود: نظر به امامان خود کنید، کسانی که به آنها اقتدا می‌نمایید، هر کاری که آنان کردند شما نیز چنین کنید، به خدا سوگند که امامان شما مریضان آنها را عیادت کرده و در تشییع جنازه‌شان حاضر می‌شوند و به نفع و ضرر آنها گواهی داده و امانت را به آنها باز می‌گردانند. و هابیان نیز باید این اخلاق را در گفت‌وگو و عمل با مخالفان خود در نظر گیرند تا حدود اسلامی مراعات شده و دشمن سوء استفاده نکند.

۱۲. ملاقات و گفت‌وگو

در حاشیه «الدرالکامنه» ابن حجر عسقلانی آمده است:

انَّ ابْنَ الْمُطَهَّرِ حَجَّ فِي أَوَاخِرِ عَمْرِهِ ... لَمَّا حَجَّ اجْتَمَعَ هُوَ وَابْنُ تَيْمِيَّةَ وَتَذَاكَرَا فَاعْجَبَ ابْنُ تَيْمِيَّةَ كَلَامَهُ فَقَالَ لَهُ: مَنْ تَكُونُ يَا هَذَا؟ فَقَالَ: الَّذِي تَسْمِيهِ ابْنُ الْمَنْجَسِ.

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۳۶.

ص: ۵۲

فحصل بینهما انس ومباسطه. (۱)

همانا ابن مطهر [علامه حلی] در اواخر عمرش حج به جای آورد ... بعد از اتمام حج او وابن تیمیه با یکدیگر اجتماع کرده و با هم مذاکره نمودند. ابن تیمیه از کلام او به تعجب آمد و به او گفت: تو کیستی ای مرد؟ او گفت: من همان کسی هستم که او را ابن المنجس نامیده‌ای در آن هنگام بود که بین آن دو انس و گشاده‌رویی حاصل شد. لذا باید وهابیان به جای اعمال خشونت‌آمیز و تکفیرهایشان به گفتگوی منطقی و سازنده روی آورند.

۱۳. علم نسبت به اصطلاحات یکدیگر

هر طایفه و مذهبی اصطلاح مخصوص به خود در باب عقیده و شریعت دارد که باید قبل از قضاوت کردن درباره آن مذهب از آن اصطلاحات اطلاع کافی و لازم حاصل نمود و گرنه منجر به تکفیر و تفسیق بدون دلیل یک‌دیگر خواهیم شد. از باب مثال شیعه معتقد به «بداء» است که اگر معنای صحیح آن- که در جای خود بحث شده- را در نظر بگیریم نه تنها هیچ‌گونه ضدیتی با عقاید مسلم اسلامی ندارد، بلکه از اصول مسلم اسلامی است. ولی از آنجا که وهابیت با این اصطلاح آشنا نیستند و ظاهر آن را در نظر گرفته‌اند که نسبت جهل به خداست و لذا به جهت این عقیده شیعه را

۱- الدر الکامنه، ج ۲، ص ۷۱-۷۲.

ص: ۵۳

تکفیر می‌نمایند.

همچنین در مسأله «تقیه» می‌گویند: این عقیده از شیعه در حقیقت همان کذب و نفاق است در حالی که شیعه معنای خاصی از آن قصد نموده است که کتمان عقیده در باطن و اظهار خلاف آن به جهت حفظ جان است، و این از مسائل مسلم اسلامی است که ربطی به نفاق و کذب ندارد.

همچنین در مسئله تبرک و استغاثه به ارواح اولیا و توسل و ... باید وهابیان پی به نیت دیگران برده و سپس قضاوت کنند.

۱۴. یکی شدن اصطلاحات

راه دیگر در تقریب سیاسی و تقریب بین مذاهب اسلامی، یکی کردن اصطلاحات نزد مذاهب مختلف اسلامی است؛ زیرا اصطلاحات مختلف و برداشت‌های گوناگون می‌تواند در سوء برداشت و اتهامات به یک‌دیگر تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

محمد مختار از اساتید «دار الحدیث الحسینیه» رباط در این باره می‌گوید:

تساعد عملیه توحید معانی المصطلحات الشرعیة علی التقرب بین المذاهب الاسلامیه؛ نظراً لاین العدید من تلك المصطلحات يستعمل للدلالة علی معان تختلف من مذهب إلی آخر، وهذا الاتجاه

ص: ۵۴

یحتاج إلى جهد مشترك بين علماء المذاهب الإسلامية في سبيل اخراج معجم موحد لمصطلحات اصول الفقه. (۱)

یکی نمودن معانی اصطلاحات شرعی می‌تواند به تقریب بین مذاهب اسلامی کمک نماید؛ زیرا بسیاری از آن اصطلاحات در هر یک از مذاهب برای دلالت بر معانی مختلف از یکدیگر استعمال می‌شود، ولی این عمل احتیاج به کوششی مشترک بین علمای مذاهب اسلامی دارد تا یک معجم واحدی برای اصطلاحات اصول فقه پدید آورند.

۱۵. پرداختن به مسائل مهم

یکی از راه‌های تقریب سیاسی پرداختن به مسائل مهم اسلامی ورها کردن موضوعات جزئی است، کاری که وهابیان آن را دنبال کرده و مردم را از مسائل مهم سیاسی و دینی خصوصاً در مهم‌ترین مکان‌ها همچون مکه و مدینه بازمی‌دارند و با این کار به دشمنان اسلام خدمت می‌نمایند.

دکتر یوسف قرضاوی در این باره می‌گوید:

من اکثر ما یوقع الناس فی حفرة الاختلاف وینأی بهم عن الاجتماع والاتلاف: فراغ نفوسهم من الهموم

۱- التقریب بین المذاهب الاسلامیة، ج ۲، ص ۹۳.

ص: ٥٥

الكبيره والآمال العظيمة والاحلام الواسعة. واذا فرغت الأنفس من الهموم الكبيره اعتركت على المسائل الصغيره واقتلت - احياناً - فيما بينها على غير شيء.

وانّ من الخيانه لأمتنا اليوم ان تغرقها في بحر الجدل حول مسائل في فروع الفقه أو على هامش العقيدة، اختلف فيها السابقون وتنازع فيها اللاحقون، ولا أمل في ان يتفق عليها المعاصرون، في حين تنسى مشكلات الأمة ومآسيها ومصائبها التي ربّما كنّا سبباً أو جزءاً من السبب في وقوعها ...

لهذا كان من الواجب على الدعاة والمفكرين الاسلاميين أن يشغلوا جماهير المسلمين بهموم امتهم الكبرى ويلفتوا انظارهم وعقولهم وقلوبهم إلى ضرورة التركيز عليها والتنبه لها والسعي الحاد ليحمل كل فرد جزءاً منها، وبذلك يتوزع العبء الثقيل على العدد الكبير، فيسهل القيام به.

انّ العالم يتقارب بعضه من بعض على كل

ص: ٥٦

صعيد، على رغم الاختلاف الدينى والاختلاف الايدىولوجى والاختلاف القومى واللغوى والوطنى والسياسى. لقد رأينا المذاهب المسيحيه- وهى اشبه بأديان متباينه- يقترب بعضها عن بعض ويتعاون بعضها مع بعض. بل رأينا اليهوديه والنصرانيه- على ما كان بينهما من عدااء تاريخى- تتقاربان وتتعاونان فى مجالات شتى، حتى اصدر الفاتيكان منذ سنوات وثيقه الشهيره بترئيه اليهود من دم المسيح ...

ان مشكلتنا اليوم ليست مع من يقول بانّ القرآن كلام الله مخلوق، بل مع الذين يقولون: القرآن ليس من عند الله، بل هو من عند محمد (ص)، أى الذين يقولون ببشريه القرآن

ثم مشكلتنا كذلك مع الذين يؤمنون بالهيئه القرآن ويرتضون بمرجعيتيه فى العقيدة والعباده، ولكنهم لا يرتضونه منهاجاً للحياه ودستوراً

ص: ۵۷

للدولة والمجتمع، وهم جماعة (العلمانيين) الذين يؤمنون ببعض الكتاب ويكفرون ببعض. (۱)

از بیشترین چیزهایی که مردم را در چاله اختلاف می‌اندازد و از اجتماع والفت دور می‌کند، بی‌توجهی به مسائل اساسی و بزرگ و آرزوهای بلند است. و هرگاه انسان از مسائل مهم باز بماند به مسائل کوچک رو می‌آورد و احیاناً بر سر هیچ و پوچ جنگ و نزاع می‌نماید.

امروز از خیانت‌های به ائمت اسلامی، فرو بردن آن در دریایی از جدل درباره مسائل فروع فقهی یا مسائل حاشیه‌ای در عقیده است. مسائلی که گذشتگان در آن اختلاف کرده و علمای امروز در آن نزاع دارند، و امید ندارم که معاصران بر آن اتفاق کنند، و این در حالی است که ما مشکلات ائمت و گرفتاری‌ها و مصایب آن را به فراموشی سپرده‌ایم، مشکلاتی که چه بسا خود ما سبب یا جزء سبب در وقوع آن بوده‌ایم ...

ولذا بر مبلغان و متفکران اسلامی است که جمعیت مسلمان را به مسائل مهم ائمت بزرگ اسلامی مشغول کرده و دیده‌ها و عقول و قلب‌های آنان را به ضرورت توجه بر آن متمرکز سازند، و کوشش فراوان نمایند تا هر فرد از جامعه جزئی از آن را متحمل شده تا از این طریق بار سنگین آن بر دوش افراد بسیاری قرار گیرد

۱- التقريب بين المذاهب الاسلاميه، ج ۲، صص ۲۱۸-۲۲۳.

ص: ۵۸

تا تحمل آن آسان گردد.

جهان در هرزمینه به رغم اختلاف دینی، ایدئولوژی، قومی، زبانی، ملی و سیاسی که دارد، در حال نزدیک شدن به یکدیگر است. ما مشاهده کردیم مذاهب مسیحیت را که شبیه به ادیان متعارض و متباین بودند، چگونه با یکدیگر نزدیک شدند و با همدیگر هماهنگ گشتند، بلکه یهودیت و نصرانیت را دیدیم که با آن همه دشمنی دیرینه که با یکدیگر داشتند، چگونه به هم نزدیک شده و در موضوعات مختلف با هم همکاری کردند، تا جایی که مدتی قبل واتیکان بیانیه‌ای مشهور صادر کرد و در آن یهود را از خون مسیح تبرئه نمود ...

مشکل ما امروز با کسی نیست که می گوید: قرآن، کلام خدا مخلوق است، بلکه مشکل ما با کسانی است که می گویند: قرآن از جانب خدا نیست بلکه از جانب خود محمد (ص) است؛ یعنی کسانی که قائل به بشری بودن قرآن دارند. همچنین مشکل ما با کسانی است که به الهی بودن قرآن ایمان دارند و به مرجعیت آن در عقیده و عبادت ایمان دارند، ولی آن را روش نوینی در زندگی و قانونی برای دولت و جامعه نمی دانند، یعنی همان جماعت لائیک‌ها که به برخی آیات قرآن ایمان آورده و به بعضی دیگر کفر می ورزند.

۱۶. همکاری در مسائل اتفاقی

و هائیان که دیگر فرقه‌های اسلامی را تکفیر می کنند باید بدانند که در

ص: ۵۹

بسیاری از مسائل بین فرقه‌های اسلامی اتفاق نظر وجود دارد. امری که مقتضی گفتگو و همکاری در آن محورهاست. دکتر یوسف قرضاوی می‌گوید:

واعتقد انّ ما نتفق علیه ليس بالشىء الهين ولا القليل، انه يحتاج منا إلى جهود لا تتوقف ...

ألسنا متفقين على ان القرآن كلام الله وان محمداً رسول الله؟

ألسنا متفقين على الايمان بالله الواحد الأحد الذى لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً احد؟

ألسنا متفقين على انه تعالى متصف بكل كمال، منزّه عن كل نقص؟ ... فلتعاون على غرس معانى الايمان الجُملى فى انفس الناشئة والشباب ...

ألسنا متفقين على انّ الالحاد اعظم خطر يهدد البشريه فى اعزّ مقدّساتها؟ فلتتعاون على تحصين الشباب من وباء الإلحاد ومقدماته من الشكوك والشبهات الّتى تزرع العقيدة وتلوّث الكفر ...

ألسنا متفقين على انّ الايمان بالدار

ص: ۶۰

الآخره وعدالة الجزاء فيها ... فلنتعاون اذن على تقوية الإيمان بالآخره ...

ألسنا متفقين على اركان الإسلام العملية الخمسة، فلماذا لا نتعاون ألسنا متفقين على مجموعة طيبة من الأحكام الشرعية القطعية الثابتة بحكم الكتاب والسنة والتي اجمعت عليها الأمة ... فلنتعاون على رعايتها والعمل على حسن تطبيقها ...

ألسنا متفقين على ان الصهيونية اليوم خطر داهم: خطر ديني وخطر عسكري وخطر اقتصادي وخطر سياسي وخطر اجتماعي وخطر اخلاقي وثقافي ... وانها تطمع في المدينة وخيبر فلماذا لا نتعاون على ان نحاربهم بمثل ما يحاربونا به:

نحارب يهود يتهم المنسوخة بإسلامنا الخالد، ونحارب توراتهم المحرّفة بقرآنا المحفوظ، ونحارب تلمودهم المحشوّ بالأباطيل بموارثنا من السنة،

ص: ۶۱

الحافله بالحقائق؟ ...

ألسنا متفقين على أنّ الغرب لم يتحرّر حتى اليوم من روح الصليبيّة وأنّ هذه الروح لا زالت تحكّم كثيراً من تصرفاته ... فلنتعاون اذن على التصدي لهذه الحروب الصليبيّة الجديدة بأسلحتها الجديدة وامكاناتها الهائلة.

ألسنا متفقين على أنّ التنصير يغزو عالمنا الاسلامي بما يملك من وسائل منظورة ... فلنتعاون كلّنا على الوقوف في وجه هذا الغزو الديني الموجه إلى دين هذه الأمة وحميم عقيدتها ...

ألسنا متفقين على أنّ الاستعمار الثقافي مع رحيل الاستعمار العسكري لم يزل يعمل عمله في عقول اجيالنا الصاعدة من ابنائنا وبناتنا ... فلنتعاون جميعاً على ان نقاوم هذا الإستعمار وهذا الغزو المدمر ...

ألسنا متفقين على أنّ مئات الملايين من المسلمين في انحاء العالم يجهلون اوليات

ص: ۶۲

الإسلام المتفق على فرضيتها وضرورتها، ولا يكادون يعرفون من الإسلام إلا اسمه ولا من القرآن إلا رسمه، وهذا الجهل أو الفراغ هو الذي أطمع الغزو التنصيري والغزو الفكري كليهما أن ينشرا ضلاليهما بين هذه الشعوب المحسوبة على أمة الإسلام؟ فلنتعاون على تعليم هذه الشعوب ألف باء الإسلام والأركان الأساسية لهذا الدين من العائد والعبادات والأخلاق والآداب التي لا تختلف فيها المذاهب ولا- تتعدد الأقوال ... أن النصارى نشروا الانجيل بمئات اللغات وآلاف اللهجات ونحن عاجزون أن نهىء بعض ترجمات صحيحة مؤتمنة وموثقة لمعاني القرآن الكريم بأشهر لغات العالم فكيف بغيرها؟! ... (۱)

من معتقد امورى كه ما بر آن اتفاق داريم نه سست ونه كم است، ولى از طرف ما احتياج به كوششى پياپى است ... آيا ما اتفاق نداريم بر اين كه قرآن كريم كلام خدا ومحمد رسول

۱- التقريب بين المذاهب الاسلاميه، ج ۲، صص ۲۲۳-۲۳۱.

ص: ۶۳

خداست؟ آیا ما اتفاق نداریم بر ایمان به خدای واحد احد که نه زاده و نه زائیده شده و برای او همتایی نیست؟
 آیا ما اتفاق نداریم که خدای متعال متصف به هر کمالی و منزّه از هر نقصی است؟ ... پس بیاییم به جهت کاشتن معانی ایمان در
 نفوس نونهالان و جوانان با یکدیگر همکاری کنیم ...

آیا ما اتفاق نداریم بر این که کفر والحاد بزرگ‌ترین خطری است که بشریت را در عزیزترین مقدساتش تهدید می‌کند؟ پس بیاییم
 با یکدیگر در حفظ جوانان از وبای الحاد و مقدمات آن از شک‌ها و شبهاتی که عقیده را متزلزل کرده و فکر را ملوث نموده،
 همکاری کنیم ...

آیا ما اتفاق نداریم بر ایمان به آخرت و عدالت جزا در آن ... پس چرا با یکدیگر بر تقویت ایمان به آخرت همکاری نمی‌کنیم؟!
 ...

آیا ما بر ارکان پنج‌گانه عملی در اسلام اتفاق نداریم، پس چرا با هم همکاری نمی‌کنیم؟
 آیا ما مجموعه‌ای زیبا از احکام شرعی قطعی ثابت به حکم کتاب و سنت و اجماع امت، اتفاق نداریم ... پس چرا در رعایت و درست
 تطبیق کردن آنها با هم همکاری نمی‌کنیم؟! ...

آیا ما اتفاق نداریم بر اینکه صهیونیست امروز خطر بزرگی است؛ خطری دینی، نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی
 و فرهنگی ... و اینکه او در طمع مدینه و خیبر است ... پس چرا با هم در جنگ و مقابله کردن با او همکاری نمی‌کنیم؟! بیایید تا با هم
 مقابله کنیم با یهودیت منسوخ آنها، به وسیله اسلام خالد خود، و مقابله کنیم با

ص: ۶۴

تورات تحریف شده آنها، به وسیله قرآن محفوظ مانده خود، و مقابله کنیم با تلمود مملو از مطالب باطل آن، به وسیله سنتی که برای ما به ارث گذاشته شده و مملو از حقایق است! ...

آیا ما اتفاق نظر نداریم که غرب تا به امروز از روحیه صلیبیت آزاد نشده و هنوز این روحیه در بسیاری از کارها و افعال آنان حاکم است ... پس چرا به جهت مقابله با این جنگ‌های صلیبی جدید با اسلحه جدید و امکانات فراوان، با یکدیگر همکاری نمی‌کنیم؟! آیا همه ما نمی‌دانیم که گروه‌ها تبشیری مسیحیت، عالم اسلام را با وسایل پیشرفته درنوردیده است ... پس چرا همگی در مقابل این تهاجم دینی که رو در روی دین این امت قرار گرفته و عقیده او را هدف قرار داده نمی‌ایستیم ...

آیا همگی نمی‌دانیم که استعمار فرهنگی با از بین رفتن استعمار نظامی هنوز باقی مانده و مشغول فتح عقل‌های جوان‌ها و فرزندان ما می‌باشد؟ ... پس چرا همدیگر را به جهت مقابله با این استعمار و حمله ویرانگر یاری نمی‌دهیم ...

آیا نمی‌دانیم که صدها میلیون مسلمان در اطراف عالم از اولیات و بدیهیات اسلام که وجوب و ضرورت آن مورد اتفاق همه است، جاهل می‌باشند، و تنها از اسلام اسم آن و از قرآن رسم آن را می‌دانند؟! آن نادانی و خلأیی که حمله‌های تبشیری مسیحیان و تهاجم فکری آنها را به طمع انداخته تا گمراهی و ضلالت خود را بین این جوانانی که به حساب امت اسلامی هستند، منتشر سازند!! آیا نباید این جوان‌ها را بر تعلیم الفبای اسلام و ارکان اساسی این

ص: ۶۵

دین؛ از عقاید و عبادات و اخلاق و آدابی که هیچ مذهب و قولی در آن اختلاف ندارد آشنا کنیم؟ ... آری، مسیحیان انجیل‌های خود را به صدها زبان و هزاران لهجه منتشر ساختند، ولی ما عاجزیم از اینکه برخی از ترجمه‌های صحیح و مورد اطمینان و وثوق را برای معانی قرآن کریم به مشهورترین زبان‌های عالم آماده کنیم تا چه رسد به غیر آنها ...

۱۷. دوری از تنگ‌نظری

انسان نباید تنگ‌نظر و انحصارطلب باشد و اسلام را منحصر به خود بداند در صورتی که مذاهب دیگر نیز در اصول و مبانی با او مشترک باشند و این امری است که بسیاری از علمای اهل سنت آن را پذیرفته‌اند، گرچه وهابیان تعصب داشته و تنها خود را وارث اسلام می‌دانند.

اینک به عبارات برخی از علمای اهل سنت در این باره اشاره می‌کنیم:

الف) شیخ محمود شلتوت، رئیس دانشگاه الأزهر مصر در عصر خود، بعد از مطالعه فراوان در فقه شیعه و مرجعیت اهل بیت: پی به اعتبار شیعه جعفری برده و فتوای معروف خود را در جواز تعبد به مذهب جعفری صادر می‌کند و می‌گوید:

مذهب جعفری، معروف به مذهب شیعه امامی اثنا عشری، مذهبی است که تعبد به آن شرعاً جایز است، همانند سایر مذاهب اهل سنت، لذا سزاوار است بر مسلمانان که آن را شناخته و از

ص: ۶۶

تعصّب به ناحق نسبت به مذاهبی معین خلاصی یابند. (۱)

ب) شیخ أزهري، دكتر محمد محمد فحام نیز در تقریظی که بر فتوای شلتوت نوشت نظر او را تأیید کرده، می گوید:
 الشيخ محمود شلتوت، أنا كنت من المعجبين به وبخلقه وعلمه وسعة اطلاعه وتمكنه من اللغة العربية وتفسير القرآن ومن دراسته
 لأصول الفقه، وقد أفتى بذلك. فلا أشك أنه أفتى فتوى مبنية على أساس اعتقادي. (۲)
 من از شیخ محمد شلتوت نسبت به اخلاق، علم، گستردگی اطلاع، بهره‌مندی از زبان عربی، تفسیر قرآن و اصول فقه او در شگفتم.
 او فتوا به جواز تعبد به مذهب شیعه امامیه را صادر کرده است. شك ندارم که فتوای او اساس محکمی دارد، که اعتقاد من نیز همان
 است.

همچنین می گوید:

ورحم الله الشيخ شلتوت الذى التفت إلى هذا المعنى الكريم، فخلد فى فتواه الصريحة الشجاعة، حيث قال ما مضمونه: بجواز العمل
 بمذهب الشيعة

۱- اسلامنا، رافعی، ص ۵۹؛ مجله رساله الاسلام، تاریخ ۱۳ ربیع الاول ۱۳۷۸ هجری، قاهره.

۲- فی سبیل الوحدة الاسلامیة، ص ۶۴.

ص: ۶۷

الإمامیه باعتباره مذهباً فقیهاً اسلامياً يقوم علی الكتاب و السنه و الدلیل الاسدّ ... (۱)

خدا رحمت کند شیخ شلتوت را که به این معنای کریم التفات نمود و با آن فتوای صریح و شجاعانه‌ای که صادر کرد خودش را جاودانه ساخت، او فتوا به جواز عمل به مذهب شیعه امامیه داد، از آن جهت که مذهبی است فقهی و اسلامی، و اعتماد آن بر کتاب و سنت و دلیل محکم است ...

ج) شیخ محمد غزالی می‌گوید:

واعتقد أن فتوى الأستاذ الأكبر محمود شلتوت، قطعت شوط واسع في هذا السبيل، وتكذيب لما يتوقعه المستشرقون، من أن الأحقاد

سوف تأكل الأمم، قبل أن تلتقى صفوفها تحت راية واحدة ... وهذه الفتوى في نظري، بداية الطريق وأول العمل. (۲)

من معتقدم که فتوای استاد اکبر؛ شیخ محمد شلتوت، راه طولانی را در تقریب بین مسلمانان پیموده است ... عمل او در حقیقت تکذیب خیالاتی است که مستشرقان در سر می‌پروراندند، آنان در خیال بودند که کینه‌ها و اختلافاتی که بین مسلمانان است بالاخره

روزی

۱- همان.

۲- دفاع عن العقيدة والشريعة، ص ۲۵۷.

ص: ۶۸

امت اسلامی را قبل از آنکه به وحدت برسند و تحت لوای واحد در آینده، از هم پاشیده و نابود خواهد کرد، ولی این فتوا در نظر من شروع راه و اولین کار است.

د) عبدالرحمان نجار، مدیر مساجد قاهره می گوید:

فتوی الشیخ شلتوت نفتی بها الآن حینما نسأل بلا تقييد بالمذاهب الأربعة والشیخ شلتوت إمام مجتهد رأیه صادف عین الحق. لماذا تقتصر فی تفکیرنا وفتاوانا علی مذاهب معینة وکلهم مجتهدون. (۱)

ما نیز فتوای شیخ شلتوت را محترم شمرده و به آن فتوا می دهیم و مردم را از انحصار در مذاهب چهارگانه بر حذر می داریم. شیخ شلتوت، امامی است مجتهد، رأی او صحیح و عین حق است، چرا باید در اندیشه و فتاویمان، اکتفا بر مذاهب معینی نماییم، در حالی که همه آنان مجتهد بودند؟

ه) استاد احمد بک، استاد شیخ شلتوت و ابوزهره می گوید:

شیعه امامیه همگی مسلمانند و به خدا و رسول و قرآن و هرچه پیامبر (ص) آورده، ایمان دارند. در میان آنان از قدیم و جدید فقیهانی بزرگ و علمایی در هر علم و فن دیده می شود. آنان تفکری عمیق داشته و اطلاعاتی وسیع دارند. تألیفات آنان به صدها هزار می رسد و

۱- فی سبیل الوحدة الاسلامیة، ص ۶۶.

ص: ۶۹

من بر مقدار زیادی از آنها اطلاع پیدا نمودم. (۱)

(و) شیخ محمد ابوزهره نیز می‌نویسد:

شکی نیست که شیعه، فرقه‌ای است اسلامی ... هر چه می‌گویند به خصوص قرآن یا احادیث منسوب به پیامبر (ص) تمسک می‌کنند. آنان با همسایگان خود از سنی‌ها دوست بوده و از یکدیگر نفرت ندارند. (۲)

(ز) استاد محمود سرطاوی، یکی از مفتیان اردن می‌گوید:

من همان مطلبی را که سلف صالحمان گفته‌اند می‌گویم و آن اینکه شیعه امامیه برادران دینی ما هستند، بر ما حق اخوت و برادری دارند و ما نیز بر آنان حق برادری داریم.

(ح) استاد عبدالفتاح عبدالمقصود نیز می‌گوید: (۳)

به عقیده من شیعه تنها مذهبی است که آینه تمام نما و روشن اسلام است و هر کسی که بخواهد بر اسلام نظر کند باید از خلال عقائد و اعمال شیعه نظر نماید. تاریخ بهترین شاهد است بر خدمات فراوانی که شیعه در میدان‌های دفاع از عقیده اسلامی داشته است. (۴)

(ط) دکتر حامد حنفی داود، استاد ادبیات عرب در دانشکده زبان قاهره می‌گوید:

۱- تاریخ التشریح الاسلامی.

۲- فی سبیل الوحده الاسلامیه، ص ۶۴.

۳- فی سبیل الوحده الاسلامیه.

۴- فی سبیل الوحده الاسلامیه.

ص: ۷۰

از اینجا می‌توانم برای خواننده متدبّر آشکار سازم که تشیع آن گونه که منحرفان و سفیانی‌ها گمان می‌کنند که مذهبی است نقلی محض، یا قائم بر آثاری مملو از خرافات و اوهام و اسرائیلیات، یا منسوب به عبدالله بن سبأ و دیگر شخصیت‌های خیالی در تاریخ نیست، بلکه تشیع در روش علمی جدید ما به عکس آن چیزی است که آنان گمان می‌کنند. تشیع اولین مذهب اسلامی است که عنایت خاصی به منقول و معقول داشته است و در میان مذاهب اسلامی توانسته است راهی را انتخاب کند که دارای افق گسترده‌ای است. و اگر نبود امتیازی که شیعه در جمع بین معقول و منقول پیدا کرده هرگز نمی‌توانست به روح تجدد در اجتهاد رسیده و خود را با شرایط زمان و مکان وفق دهد به حدّی که با روح شریعت اسلامی منافات نداشته باشد. (۱)

او همچنین در تقریظی که بر کتاب عبدالله بن سبأ نوشته است می‌گوید:

مضى ثلاثة عشر قرناً من حياة التاريخ الاسلامي كان انصاف العلماء خلالها يصدر عن احكامهم على الشيعة مشبوهة بعواطفهم واهوائهم وكان هذا النهج السقيم سبباً في احداث هذه الفجوة الواسعة خسر العلم الشيء الكثير من

۱- نظرات فی الکتب الخالدة، ص ۳۳.

ص: ۷۱

معارف اعلام هذه الفرق كما خسر الكثير من فرائد آرائهم وثمار قرائهم وكانت خسارة العلم اعظم فيما يمس الشيعة مبغضوهم من نحل وترهات وخرافات هم في الحقيقة براء منها... ناهيك ان الامام جعفر الصادق المتوفى سنة ۱۴۸ هـ. ق وهو رافع لواء الفقه الشيعي كان استاذاً للامامين السنيين: ابي حنيفة النعمان بن الثابت المتوفى سنة ۱۵۰ هـ. ق وابي عبدالله مالك بن انس المتوفى سنة ۱۷۹ هـ. ق وفي ذلك يقول ابو حنيفة مقرأ له بالاستاذية وفضل السبق: (لولا السنتان لهلك النعمان) يقصد بهما السنتين اللتين اعترف فيهما من علم جعفر بن محمد ويقول مالك بن انس: (ما رأيت افقه من جعفر بن محمد. (۱))

سيزده قرن است که بر تاریخ اسلام می گذرد وما شاهد صدور

۱- عبد الله بن سبأ، ج ۱، ص ۱۳.

ص: ۷۲

فتوهایبی از جانب علما بر ضدّ شیعه هستیم، فتاوایی ممزوج با عواطف و هواهای نفسانی. این روش بد سبب شکاف عظیم بین فرقه‌های اسلامی شده است. و از این رهگذر نیز علم و علمای اسلامی از معارف بزرگان این فرقه محروم گشته‌اند، همان گونه که از آرای نمونه و ثمرات ذوق‌های آنان محروم بوده‌اند. و در حقیقت خساراتی که از این رهگذر بر عالم علم و دانش رسیده، بیشتر است از خساراتی که توسط این خرافات به شیعه و تشیع وارد شده است، خرافاتی که در حقیقت، ساحت شیعه از آن میرا است. و تو را بس، این که امام جعفر صادق (م ۱۴۸ ه. ق) پرچم‌دار فقه شیعی - استاد دو امام سنی است: ابوحنیفه نعمان بن ثابت (م ۱۵۰ ه. ق) و ابو عبدالله مالک بن انس (م ۱۷۹ ه. ق) و در همین جهت است که ابوحنیفه می‌گوید: اگر آن دو سال نبود، نعمان هلاک می‌شد. مقصود او همان دو سالی است که از علم فراوان جعفر بن محمد بهره‌ها برده بود. و مالک بن انس می‌گوید: من کسی را فقیه‌تر از جعفر بن محمد ندیدم.

ی) دکتر عبد الرحمن کیالی یکی از شخصیت‌های حلب در نامه خود به علامه امینی / می‌نویسد:

انّ العالم الاسلامی الذی لایزال فی حاجه ماسیه إلی مثل هذه الدراسات ... لماذا بدأ الاختلاف بعد وفات الرسول الاعظم وأبعد بنو هاشم عن حقهم؟ ویهمه ان یعلم ما هی بواعث الانحطاط

ص: ۷۳

والانحلال فی المسلمین حتی اصبحوا علی ما هم علیه؟ ... وهل یمکن تدارک ما فات بالرجوع إلی ما کتبه التواریخ القدیمة والإعتماد علیها؟ ... (۱)

عالم اسلامی همیشه نیاز شدید به مثل این تحقیقات دارد ... چرا بعد از وفات رسول اعظم، بین مسلمانان اختلاف شد و در نتیجه بنی‌هاشم از حق خود محروم شدند؟ و نیز سزاوار است که از عوامل انحطاط و انحلال مسلمانان سخن به میان آید، چه شد که مسلمانان به این وضع امروز مبتلا شده‌اند؟ آیا ممکن است آن چه از دست مسلمانان رفته با رجوع به تاریخ اصیل و اعتماد بر آن، باز گرداند؟

ک) استاد ابوالوفاء غنیمی تفتازانی، مدرس فلسفه اسلامی در دانشگاه الأزهر می گوید:

وقع کثیر من الباحثین سواء فی الشرق أو الغرب، قدیماً وحديثاً فی أحكام کثیرة خاطئه عن الشیعة لاتستند إلی أدله أو شواهد نقلیه جدیرة بالثقة وتداول بعض الناس هذه الأحكام فیما بینهم دون أن یسألوا أنفسهم عن صحتها أو خطئها. وكان من بین العوامل التي أدت إلی عدم انصاف

ص: ۷۴

الشیعة من جانب اولئك الباحثين الجهل الناشئ عن عدم الإطلاع على المصادر الشيعية، والإكتفاء بالإطلاع على مصادر خصومهم. (۱)

بسیاری از بحث کنندگان در شرق و غرب عالم، از قدیم و جدید، دچار احکام نادرست زیادی بر ضد شیعه شده‌اند که با هیچ دلیل یا شواهد نقلی موثق سازگار نیست. مردم نیز این احکام را دست به دست کرده و بدون آنکه از صحت و فساد آن سؤال کنند، شیعه را به آنها متهم می‌نمایند. از جمله عواملی که منجر به بی‌انصافی پژوهشگران نسبت به شیعه شد، جهلی است که ناشی از بی‌اطلاعی آنان نسبت به مصادر شیعه است و در آن اتهامات تنها به کتاب‌های دشمنان شیعه مراجعه نموده‌اند.

۱- مع رجال الفكر فی القاهرة، ص ۴۰.

ص: ۷۵

اصول مشترک تقریب اسلامی

اشاره

با مراجعه به مسائل اعتقادات واحکام و اخلاق اسلامی پی می‌بریم که بسیاری از آنها در راستای وحدت اسلامی بوده و تأمین کننده تقریب اسلامی است. اینک به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم؛

۱. توحید

یکی از اعتقاداتی که حقیقت و شالوده آن بر وحدت و یگانگی است مسأله توحید و اعتقاد به یگانگی خداوند متعال است. بنابراین، یکتاپرستی که از آثار این عقیده است تمام موحدان را در یک راستا متحد می‌گرداند.

۲. ابعاد جهانی اسلام

اسلام دین جهانی است و کتاب آن، قرآن می‌باشد که برای همه مردم فرستاده شده است و لذا تمام انسان‌ها را دعوت به اتحاد و یگانگی بر

ص: ۷۶

پیروی از این دین کرده است، امری که می‌تواند در راستای تقریب امت اسلامی باشد.

خداوند متعال می‌فرماید:

(إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ) (انبیاء: ۹۲)

این (پیامبران بزرگ و پیروانشان) همه امت واحدی بودند (و پیرو یک هدف)؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا پرستش کنید!

۳. گسترش روحیه برادری

اسلام درصدد گسترش روحیه برادری در بین عموم مردم خصوصاً مسلمانان است. لذا خداوند متعال تمام مؤمنان را برادر یکدیگر

خطاب کرده و می‌فرماید: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ)؛ «مؤمنان برادر یکدیگرند». (حجرات: ۱۰)

۴. همکاری اجتماعی

هر یک از مسلمانان در جامعه اسلامی همچون اعضای یک خانواده هستند و اینچنین نیست که فردیت مطلق داشته باشند. وظیفه‌اش

این است که عدالت را وجهه همت خویش قرار دهد و مصالح عمومی و شؤون دیگران را هم مراعات نماید. در آیات و روایات

فراوانی به این مطلب اشاره شده است؛

خداوند متعال می‌فرماید: (وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى)؛ «و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید».

ص: ۷۷

(مائده: ۲)

و نیز می‌فرماید:

وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (حجرات: ۱۰)

و آنها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛ کسانی که از بخل و حرص نفس خویش، باز داشته شده‌اند رستگاراند.

و می‌فرماید:

(وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ) (عصر: ۳)

و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند.

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمود:

كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ. (۱)

همه شما سرپرست هستید و همه شما نسبت به کسانی که تحت سرپرستی شما هستند، مسؤولید.

و نیز می‌فرماید:

مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ

۱- صحیح بخاری، ج ۲، صص ۱۶۶-۱۶۵.

ص: ۷۸

فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ. (۱)

هر کس صبح کند و نسبت به امور مسلمین اهتمام نرزد مسلمان نیست.

۵. مسجد واقامه جمعه وجماعت

حاضر شدن مسلمانان در مسجد و برپایی نماز جمعه وجماعت، یکی دیگر از عوامل وحدت‌زا در جامعه اسلامی است.

شیخ طوسی به سندش از بعض اصحاب ابن ابی عمیر نقل کرده که گفت: به امام صادق (ع) عرض کردم:

إِنِّي لِأَكْرَهُ الصَّلَاةَ فِي مَسَاجِدِهِمْ! فَقَالَ: لَا تَكْرَهُ إِلَى أَنْ قَالَ: فَأَدِّ فِيهَا الْفَرِيضَةَ وَالنَّوَافِلَ وَأَقْضِ مَا فَاتَكَ. (۲)

همانا من از نماز به جای آوردن در مساجد عامه کراهت دارم! حضرت فرمود: کراهت نداشته باش ... تا اینکه فرمود: در آن مساجد نمازهای واجب و نافله را به جای آور و آنچه را نیز از تو فوت شده قضا کن.

۶. حج، کنگره عظیم جهان اسلام

حج عبادتی است که وسیله ارتباط ملل اسلامی می‌باشد و یک کنگره عظیم جهانی الهی است که نقش مهمی در عظمت مسلمین و حفظ

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲- تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۲۷.

ص: ۷۹

حیثیت و کیان بین‌المللی ایفا می‌کند.

همه می‌دانند که جمعیت مسلمانان جهان یک جمعیت انبوه و قابل اهمیت است که می‌تواند در اوضاع سیاسی جهان و سرکوب کردن جهانخواران و متجاوزان و برقراری عدالت نقش مهمی داشته باشد. و کامل‌ترین عبادت اجتماعی - سیاسی که نسبت به نماز جمعه و جماعات و عیدین شعاع وسیع‌تری دارد، فریضه حج است. نظر به همین اهمیت است که در مورد آن تأکید فراوان شده است؛ چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

(جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ) (مائده: ۹۷)

خداوند، کعبه [بیت الحرام] را وسیله‌ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده.

۷. به کار گرفتن زبان عربی در عبادات

علما و فقهای اسلامی عموماً از آیات و روایات استفاده کرده‌اند که بهتر است قرآن با همان زبان عربی خوانده شود، و نیز فتوا داده‌اند که نماز را همه افراد با زبان عربی بخوانند و شعارهای دینی از قبیل اذان و تلبیه در حج و دیگر شعائر را به زبان عربی بگویند، اینها همه از جمله اموری است که می‌تواند در راستای تقریب اسلامی باشد.

ص: ۸۰

عواقب عدم تقرب سیاسی

اشاره

از آیات قرآن استفاده می‌شود که نبودن تقرب سیاسی در بین مسلمین، عواقب خطرناکی دارد؛ از قبیل:

۱. از بین رفتن شوکت مسلمانان

خداوند متعال می‌فرماید:

(وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ) (انفال: ۴۶)

ونزاع (وکشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود!

۲. تضعیف مسلمانان و حاکمیت کفار

یکی از حرب‌های دشمنان راه حق، تفرقه است همان کاری که فرعون انجام می‌داد. خداوند متعال می‌فرماید:

ص: ۸۱

(إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ) (قصص: ۲)
 فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند.

۳. کشتار و اسارت

خداوند متعال می‌فرماید:

(إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ ... يُدْبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ) (قصص: ۲)
 فرعون در زمین برتری جویی کرد ... و پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت.

و نیز می‌فرماید:

(أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُدِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ) (انعام: ۶۵)
 یا بصورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد؛ و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما بوسیله دیگری بچشانند.

موانع تقریب اسلامی

اشاره

تقریب اسلامی موانعی نیز دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم؛

۱. اتهام به یکدیگر

یکی از موانع تقریب اسلامی اتهام و نسبت‌های ناروا به یکدیگر است، امری که متهمین به آن نسبت‌ها از آن تبرّی می‌جویند. گاهی نسبت غلو به افرادی داده می‌شود و گاهی برخی از عقائد به افرادی نسبت داده می‌شود که هرگز صحیح نیست مثل اینکه می‌گویند شیعه معتقد به قرآنی دیگر است و می‌گویند: جبرئیل در نزول وحی خیانت کرده و به جای علی (ع) بر حضرت محمد (ص) وحی نازل کرده است و ... در حالی که شیعه خود را از این اتهامات مبرا می‌داند. و در مقابل ممکن است برخی از افراد نسبت‌های ناشایست همچون ناصبی بودن و ... به اهل سنت دهند و یا وهابیان نسبت شرک و کفر را به افرادی به جهت استغاثه به ارواح اولیا و درخواست شفاعت از آنان می‌دهند.

نویسنده مصری انور جندی می‌نویسد:

ص: ۸۳

ومن الحق ان يكون الباحث يقطاً في التفرقة بين الشيعة (الإثني عشرية) والغلاة، هؤلاء الذين هاجمهم أئمة الشيعة انفسهم و حذروا ممّا يدسونه. (۱)

سزاوار است که بحث کننده بیدار بوده و بین شیعه دوازده امامی و غلات فرق بگذارد، همان کسانی که خود امامان شیعه بر آنها تهاجم داشته و از دسیسه آنان، شیعیان خود را برحذر داشتند.

و نیز نویسنده مصری علی عبدالواحد وافی می گوید:

انّ كثيراً من مؤلفينا قد خلط بين الشيعة الجعفرية وغيرها من فرق الشيعة. (۲)

همانا بسیاری از نویسندگان ما، بین شیعه جعفری و دیگر فرقه‌ها خلط کرده‌اند.

شیخ محمد غزالی می گوید:

ومن هؤلاء الأفاكين من روج ان الشيعة اتباع علي وان السنين اتباع محمد، وان الشيعة يرون علياً حقّ بالرسالة او أنّها أخطأته إلى

غيره، وهذا لغو قبيح وتزوير شائن. (۳)

۱- الاسلام وحرکة التاريخ، ص ۴۲۱.

۲- بين الشيعة واهل السنة، ص ۱۱.

۳- رسالة التقريب، سال اول، شماره ۳، ص ۲۵۰.

ص: ۸۴

از جمله تهمت زندگان کسانی هستند که رواج داده‌اند شیعه پیروان علی و اهل تسنن پیروان محمدند، و اینکه شیعه معتقد است که علی سزاوارتر به رسالت است و اینکه از روی اشتباه، رسالت به غیر از او واگذار شده است، و این حرفی لغو و قبیح و خدعه‌ای پست است.

همچنین می‌گوید:

نسب إلى الامامیة افتراء و تنکیلا نقصان آیات من القرآن. (۱)

به امامیه از روی تهمت و بی‌جهت نسبت داده شده که معتقد به نقصان آیات قرآنند.

نویسنده سنی مذهب عبدالحلیم جندی می‌نویسد:

... نسبوا عمل الغلاة إلى الشیعة ... فأحدثوا بذلك أثراً کاذباً فی فهم الآخـرین بدعاوی هم منها براء؛ مثل انّ الامام هو الله ظهوراً و اتحاداً وهو غلو یبلغ الکفر. (۲)

... عمل غالیان را به شیعه نسبت دادند ... و با این کار خود اثری دروغین در فهم مطالب دیگران ایجاد نمودند همراه با ادعاهایی که شیعه از آنها بری است؛ مثل اینکه امام همان خداست در مقام ظهور و با خدا اتحاد دارد، در حالی که این حرف غلوّی است که به حدّ

۱- لیس من الاسلام، ص ۴۸.

۲- الامام جعفر الصادق، ص ۲۳۵.

ص: ۸۵

کفر می‌رسد.

نویسنده مصری محمد بهی در اعتراض خود از عملکرد وهابیان می‌نویسد:

وسعت (الوهابیة) شقة الخلاف بين السنة والشيعة منذ القرن الثامن عشر الميلادي؛ بل اصبحت اشد من ذي قبل، وكان لزيادة الفجوة على هذا النحو اثر سلبي للدعوة الوهابية. (۱)

وهابیان شکاف بین شیعه و سنی را از قرن هجدهم میلادی بیشتر کرده‌اند به گونه‌ای که نزاع مذهبی نسبت به قبل از آن شدیدتر شده است، و این زیادی شکاف بین این دو مذهب به این نحو اثری سلبی برای دعوت وهابیان داشته است.

دکتر طه حسین مصری می‌نویسد:

انّ خصوم الشيعة نسبوا اليهم ما يعلمون وما لا- يعلمون ... لا-يكتفي خصوم الشيعة من الشيعة بما يسمعون عنهم أو بما يرون من سيرتهم، وأنما يضيفون اليهم اكثر ممّا قالوا واكثر ممّا سمعوا، ثم لا يكتفون بذلك ... بل يحملون ذلك كله على اصحاب اهل

۱- الفكر الاسلامي في تطوره، ص ۱۴۰.

ص: ۸۶

البيت ... وخصومهم وافقون لهم بالمرصاد يحصون عليهم كل مايقولون ويفعلون ويضيفون إليهم اكثر مما قالوا ومما فعلوا ويحملون عليهم الاعاجيب من الأقوال والأفعال ... ثم يتقدم الزمان فيزداد الأمر تعقيداً واشكالا ثم تختلط الامور بعد أن يبعد عهد الناس بالأحاديث ... (۱)

همانا دشمنان شیعه به شیعه هر آنچه را دانسته و ندانسته نسبت داده‌اند ... دشمنان شیعه در نسبت دادن به شیعه تنها دیده‌ها و شنیده‌ها را به شیعه نسبت نمی‌دهند بلکه بیش از آنکه شنیده و گفته‌اند به آن اضافه می‌کنند، به این هم اکتفا نکرده تمام آنها را به اصحاب اهل بیت نسبت می‌دهند ... دشمنان شیعه در کمین آنها نشسته و هر آنچه را که می‌گویند و انجام می‌دهند را گرفته و بیشتر از آن را اضافه کرده و گفتار و کردار عجیب را به شیعه نسبت می‌دهند ... و با گذشت زمان، مسأله پیچیده‌تر و مشکل‌تر می‌شود و بعد از آنکه مردم از عصر حدیث دور شدند امور بر آنان مشتبه می‌گردد ...

نویسنده مشهور مصری انیس منصور می‌گوید: من از عباس محمود عقاد، نویسنده بزرگ مصری شنیدم که می‌گفت:
أنه يريد ان يؤلف دراسة موضوعية عن

ص: ۸۷

المذهب الشیعی، فقد ادخلت علیه اکاذیب افسدت صورته عند كثير من الناس. (۱)

او می‌خواست بحثی بدون تعصب درباره مذهب شیعه ارائه دهد؛ زیرا دروغ‌هایی به شیعه نسبت داده‌اند که چهره آن را نزد بسیاری از مردم فاسد کرده است.

ولی عمرش اجازه چنین کاری را به او نداد.

نویسنده سنی مذهب محمد کرد علی می‌نویسد:

أما ما ذهب إليه بعض الكتاب من أنّ مذهب التشيع من بدعة عبد الله بن سبأ المعروف بابن السوداء، فهو وهم وقله علم بتحقيق مذهبهم. ومن علم منزلة هذا الرجل عند الشيعة وبرائتهم منه ومن اقواله و أعماله وكلام علمائهم في الطعن فيه بلاخلاف بينهم في ذلك، علم مبلغ هذا القول من الصواب. (۲)

اما آنچه برخی از نویسندگان به آن رسیده‌اند که مذهب تشیع از بدعت‌های عبدالله بن سبأ معروف به ابن السوداء است، این حرف، وهم و کمی دانش در تحقیق مذهب شیعه است، و هر کس منزلت

۱- لعلک تضحک، انیس منصور، ص ۲۰۱.

۲- خطط الشام، ج ۶، ص ۲۵۱.

ص: ۸۸

این مرد را نزد شیعه و تبّری آنان از او و گفتار و اعمالش را بدانند و کلمات علمای شیعه در تبری از او را به طور اتفاق ببیند مقدار درست بودن این قول را خواهد فهمید.

استاد محمّد ابوزهره در ردّ اتهام وهابیان به شیعه می‌گوید: «انّ الامامیه لایصلون بالامام إلی مرتبه النبی» (۱)؛ «امامیه امام را به مرتبه پیامبر (ص) نمی‌رسانند».

۲. جمود بر ظواهر

یکی از موانع اتحاد و تقریب اسلامی، جمود بر ظواهر نصوص است، امری که در طول تاریخ اسلام در میان مسلمانان و برخی از مذاهب اسلامی یافت می‌شود، کسانی که برای عقل و تعقل ارزش چندانی قائل نیستند، آنان فکر نمی‌کنند که عملکرد و اعتقادشان چه تبعاتی در پیش دارد.

۳. نداشتن بینش سیاسی واقع‌بینانه

یکی دیگر از موانع اتحاد و تقریب اسلامی، نداشتن بینش سیاسی عمیق و ژرف‌اندیشی است. برخی از کوتاه‌فکران و تنگ‌نظران بدون توجه به جوانب حرف‌هایشان هرچه می‌توانند بر زبان جاری می‌سازند و فکر نمی‌کنند که دشمنان چگونه از این حرف‌ها سوء استفاده می‌کنند. آیا اتهام به شیعه و دیگر فرقه‌های اسلامی با آن انبوه جمعیت و خارج

۱- الامام الصادق، محمّد ابوزهره، ص ۱۵۱.

ص: ۸۹

کردن آنان از صفوف و خطّ مقدم جبهه بر ضدّ کفر والحداد به نفع اسلام و مسلمین است؟ آیا این کار همان نقشه دشمنان اسلام برای ضربه زدن بر پیکره اسلام و مسلمین نیست؟ ولی چه باید کرد که عده‌ای این حقایق را درک نکرده و نمی‌فهمند یا خود را به تجاهل می‌زنند.

۴. شناخت هر مذهب از زبان مخالفان آن

یکی دیگر از موانع تقریب اسلامی، شناخت هر مذهب از طریق دشمنان آن است. معلوم است که افراد بی‌انصاف چهره واقعی مذهب مخالف خود را درست معرفی نمی‌کنند بلکه در جهت مشوّه جلوه دادن آن هستند. ولذا وظیفه هر عالم و محقق منصف این است که به منابع اصلی هر مذهب به جهت شناخت آن رجوع کند تا قضاوتی صحیح درباره آن داشته باشد.

۵. عدم توجه به دشمن مشترک

یکی دیگر از موانع اتحاد، بی‌توجهی به دشمن مشترک بین مذاهب اسلامی است. برخی فکر نمی‌کنند که کافران هیچ یک از مسلمانان را قبول ندارند و آنان درصدد ضربه زدن به کیان اسلامی هستند، ولذا نباید به این فکر باشند که زیر چتر کفر والحداد درصدد ضربه زدن به مذاهب دیگر اسلامی برآیند، و به طور حتم، مسلمان مخالف از کافر معاند، برتر و بهتر است؛ زیرا با هم مشترکات فراوانی دارند.

۶. حکم به لوازم اعتقاد

ص: ۹۰

همان گونه که قبلاً اشاره کردیم یکی از راه کارهای وحدت سیاسی و تقریب اسلامی عدم حکم به لوازم اعتقاد مخالفان است، مگر آنکه صاحبان آن عقیده ملتزم به آن باشند، و این از مسائل بسیار خطرناکی است که اگر هر مذهبی دست به این کار بزند تمام امت اسلامی نابود خواهند شد.

۷. سوء ظنّ به دیگری

سوء ظنّ به دیگری در اعمال و کردار و اقوال، یکی دیگر از موانع تقریب اسلامی است. اگر پیرو هر مذهبی با بدبینی به دیگری نگاه کند و او را به بیگانگان نسبت دهد و او را از دشمنان دیرینه خود بداند هرگز نمی‌توان با این دیدگاه به نقطه مشترک رسید. و اگر کسی از دیگر مذاهب اسلامی درصدد انتقاد سازنده برآمد نباید بر سر او فریاد زده و با نظر بد و سوء ظنّ به او نگاه کرده و با او به مخالفت برخواید. مثلاً اگر کسی بر اهل سنت به جهت وجود برخی از روایات در مصادر حدیثی آنها که با قداست پیامبر اسلام (ص) سازگاری ندارد ایراد گرفت و غرض و هدفش، دفاع از پیامبر (ص) بود نباید اهل سنت بر او حمله کرده که چرا به کتاب‌های ما توهین کرده‌اید، هدف او اصلاح امور و از بین بردن زمینه‌های حمله به مکتب اسلام است. باید انتقاد سازنده را پذیرفت گرچه به ضرر ایده و روش من باشد؛ زیرا انتقاد کننده درصدد دفاع از اصل مشترک بین عموم مسلمانان است.

ص: ۹۱

کتابنامه

* قرآن کریم.

۱. الاصول العلمیة للدعوة السلفیة، عبدالرحمان عبدالخالق.
۲. بحار الانوار، محمدباقر المجلسی، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
۳. التأویل، آیت الله معرفت، تهران، مجمع التقرب الاسلامی.
۴. تفسیر المیزان، محمدحسین الطباطبائی، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
۵. الحاوی من فتاوی الالبانی، چاپ اول، دار هند، ۱۴۱۶ ه. ق.
۶. حلقات ممنوعه، حسام العقاد، طنطا، دار الصحابه.
۷. سیر اعلام النبلاء، ذهبی، بیروت، مؤسسه الرساله.

.۸

ص: ۹۲

شش مقاله، مرتضی مطهری، قم، صدرا.

۹. شرح صحیح مسلم، نووی، بیروت دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ه. ق.

۱۰. الصواعق المرسله علی الجهمیه والمعطله، ابن قیم جوزیه، ریاض، دار العاصمه، ۱۴۱۸ ه. ق.

۱۱. العقیده السلفیه بین الامام بن حنبل والامام ابن تیمیه، دکتر سیلی، قاهره، دار المنار.

۱۲. فتاوی بن باز، ریاض، دار الوطن، ۱۴۱۶ ه. ق.

۱۳. کافین محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

۱۴. منهج السلف فی فهم النصوص بین النظریه والتطبیق، سید محمد بن علوی مالکی.

۱۵. المهدب، دکتر عبدالکریم نمل، ریاض، مکتبه الرشد.

۱۶. الموقف المعاصر المنهج السلفی فی البلاد العربیه، دکتر مفرح بن سلیمان قوسی، ریاض، دار الفضیله، ۱۴۲۳ ه. ق.

۱۷. هو الله، سید محمد بن علوی مالکی.

۱۸. یادداشت‌های شهید مطهری، قم، صدرا.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران (۲۳۳۳۰۴۵)(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۵۳-۰۹۰۹
 به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بداند، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

